

بررسی ابعاد و الگوهای واگذاری باشگاه‌های پرسپولیس و استقلال

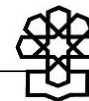
معاونت پژوهش‌های اجتماعی - فرهنگی
دفتر: مطالعات آموزش و فرهنگ

کد موضوعی: ۲۷۰
شماره مسلسل: ۱۶۴۲۲
اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۸

به نام خدا

فهرست مطالب

۱.....	چکیده
۲.....	مقدمه و بیان مسئله
۳.....	وضعیت دو باشگاه در اسناد، قوانین و مقررات
۸.....	وضعیت کنونی دو باشگاه ورزشی از حیث شیوه مدیریت، مالکیت و عملکرد
۹.....	صورت‌های مالی، بدهی‌ها و دارایی‌های دو باشگاه
۱۰.....	الزامات خصوصی‌سازی و بسترسازی فعالیت‌های اقتصادی باشگاه‌های ورزشی
۱۷.....	بررسی الگوها و شیوه واگذاری دو باشگاه
۲۶.....	جمع‌بندی و پیشنهاد
۲۷.....	منابع و مأخذ
۲۹.....	پیوست‌ها



بررسی ابعاد و الگوهای واگذاری باشگاه‌های پرسپولیس و استقلال

چکیده

تجربه خصوصی‌سازی در کشورهای مختلف جهان و در بخش‌های مختلف داخلی کشور نشان می‌دهد رویکرد واحدی برای خصوصی‌سازی و کاهش تصدیگری دولت وجود ندارد، بلکه اجرای موفق این برنامه تابع عوامل و شرایط مختلفی بوده و الزام‌های خاصی دارد. در این باره می‌توان گفت بدون فراهم شدن زیرساخت‌های درآمدزایی باشگاه‌ها و تعیین ضوابط حرف و مشاغل ورزش حرفه‌ای و ضوابط بیمه‌ای و مالیاتی، نوع و روش واگذاری به تنهایی نمی‌تواند ضامن موفقیت خصوصی‌سازی در ورزش حرفه‌ای کشور باشد. برای مثال، فقدان زیرساخت‌های درآمدزا برای باشگاه‌ها از جمله عدم بهره‌مندی آنها از درآمدهای ناشی از پخش مسابقات ورزشی نیز مسئله‌ای است که با خصوصی‌سازی دو باشگاه گره خورده است. لذا، واگذاری دو باشگاه بزرگ ورزشی کشور (به عنوان بخشی از هویت فرهنگی و ورزشی کشور)، تنها بخشی از این مسئله مهم است و باید سایر ابعاد مربوط در قالب «نظام ورزش حرفه‌ای و باشگاه‌داری کشور» به تصویب نهاد قانونگذاری کشور برسد. مع‌هذا، این نیز به سرانجام نخواهد رسید مگر آنکه یک گام دولت به واگذاری باشگاه‌ها اقدام کند و یک گام قانونگذار نسبت به تسهیل شرایط و بسترسازی فعالیت اقتصادی باشگاه‌ها و نظام باشگاه‌داری ورزش حرفه‌ای کشور پیش رود.

بررسی پنج راهکار پیش‌بینی شده برای واگذاری دو باشگاه مذکور^۱ نشان می‌دهد که هر یک از این روش‌ها نقاط قوت و ضعفی دارند؛ در این میان نقاط ضعف روش واگذاری از طریق برگزاری مزایده عمومی - از سوی سازمان خصوصی‌سازی - اساساً به گونه‌ای است که قابل دفاع نیست و از میان چهار راهکار دیگر، در صورت تمایل به حفظ مالکیت دولتی دو باشگاه، روش «پیمان مدیریت» پیشنهاد می‌شود. لکن، در صورت اصرار بر واگذاری، مناسب‌ترین شیوه از بین الگوهای مربوط، واگذاری از طریق «فراپورس» است که در قانون بودجه سال ۱۳۹۸ کل کشور به تصویب مجلس رسیده است.^۲ لذا، ضروری است وزارت ورزش و جوانان در این مقطع کنونی نسبت به اصلاح اساسنامه دو شرکت (به ویژه تغییر ماهیت حقوقی شرکت فرهنگی ورزشی استقلال از سهامی خاص به شرکت

۱. پیمان مدیریت از طریق آگهی مزایده عمومی (با حفظ مالکیت دولت)، اجاره به شرط تملیک، برگزاری مزایده عمومی از سوی سازمان خصوصی‌سازی، واگذاری تدریجی - ترکیبی، واگذاری از طریق فراپورس.
۲. وزارت ورزش و جوانان مکلف است با همکاری سازمان بورس اوراق بهادار و سازمان خصوصی‌سازی حداکثر تا پایان شهریور ۱۳۹۸، شرایط پذیرش دو شرکت فرهنگی - ورزشی پرسپولیس و استقلال را در بازار پایه فراپورس فراهم کند. پس از پذیرش در بازار پایه فراپورس و عرضه پنج درصد (۵٪) سهام هر یک از دو شرکت جهت کشف قیمت، پنجاهویک درصد (۵۱٪) سهام آنها به صورت بلوکی و باقی سهام به صورت خرد عرضه می‌شود. درآمد حاصله به ردیف ۲۱۰۵۰۱ خزانه واریز می‌شود.

سهامی عام، پیش‌بینی سرمایه‌گذاری و فعالیت در رشته‌های ورزشی پایه برای دو باشگاه، ممنوعیت یا محدودیت عضویت و فعالیت هر یک از ارکان دو باشگاه در احزاب سیاسی) و تعیین تکلیف املاک دو باشگاه و انتقال سند مجموعه ورزشی شهید درفشی‌فر و شهید مرغوبکار به دو باشگاه پرسپولیس و استقلال در اجرای مصوبه هیئت محترم وزیران اقدام عاجل نماید. به علاوه، نظر به کارکردهای فرهنگی و اجتماعی دو باشگاه و اثرگذاری آنها در جامعه اکیداً ضروری است امکان بررسی صلاحیت اعضای هیئت مدیره باشگاه‌ها از سوی وزارت ورزش و جوانان و دیگر نهادهای ذی‌ربط بررسی‌کننده حدود صلاحیت‌های عمومی، فراهم شود (همانند بانک‌ها).

مقدمه و بیان مسئله

نحوه اداره و مالکیت دو باشگاه ورزشی استقلال و پرسپولیس از دیرباز محل مناقشه و مباحثه سیاستگذاران، مجریان، مدیران، ذی‌نفعان و ذی‌ربطان امر بوده است. واقعیت این است که وضعیت اداره دو باشگاه استقلال و پرسپولیس و موضوع واگذاری آنها به بخش خصوصی به داستانی بی‌فرجام شبیه است که هر زمان بوی تازگی می‌دهد. تجربه خصوصی‌سازی در کشورهای مختلف جهان و در بخش‌های مختلف داخلی کشور نشان می‌دهد رویکرد واحدی برای خصوصی‌سازی و کاهش تصدیگری دولت وجود ندارد، بلکه اجرای موفق این برنامه تابع عوامل و شرایط مختلفی بوده و الزام‌های خاصی دارد.^۱ روش‌های خصوصی‌سازی از انتقال درصد کمی از مالکیت سهام دولت تا انتقال صد درصد مالکیت در نوسانند و حتی در برخی موارد بدون انتقال هیچ گونه مالکیتی فقط به واگذاری مدیریت و اداره بنگاه‌ها اقدام می‌شود (خسروی، ۱۳۹۳). در این راستا، قانونگذار جمهوری اسلامی ایران این روش‌ها را به رسمیت شناخته است. از منظر شیوه واگذاری نیز، فروش بنگاه از طریق عرضه سهام عمومی در بورس‌های داخلی یا خارجی، فروش بنگاه یا سهام بلوکی از طریق مزایده عمومی در بازارهای داخلی و یا خارجی و فروش بنگاه یا سهام بلوکی از طریق مزایده در ماده (۲۰) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهارم قانون اساسی محترم شمرده شده است. برخی مطالعات پژوهشی در این حوزه نشان داده است که فروش بنگاه از طریق عرضه سهام در بورس به عموم مردم یا شرکت سهامی خاص، برگزاری مزایده و حتی اجاره باشگاه مورد تأیید متخصصان و مدیران ورزشی است (همان). بنابراین، نباید این موضوع را از نظر دور داشت که در دنیای امروز، ورزش فوتبال فراتر از یک مؤلفه زیربخشی فعالیت‌های بدنی است و همچنین باید توجه داشت به جنس فعالیت این دو باشگاه صرفاً تولید و عرضه کالا نیست، بلکه فوتبال واحدی اقتصادی با ماهیت خدماتی، کسب‌وکار

۱. واگذاری فوتبال از بورس تا اجاره؛ خسروی مصعب، عبدوی فاطمه؛ هشتمین همایش بین‌المللی تربیت بدنی علوم ورزشی، ۱۳۹۳.



ورزشی و چندوجهی شامل وجه فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، روانی و حتی معنوی و دارای هویت ملی است و لذا، مدیریت این بخش مهم نیازمند یک فرایند نظام‌مند و اثربخش است تا از دایره نظام سیاسی و اجتماعی حاکم عدول نکند و به مطلوبیت ورزشی، فرهنگی - اجتماعی و اقتصادی نائل آید. بنابراین، ضرورت دارد الگوهای مدنظر از حیث اداره و مالکیت دو باشگاه بررسی و مناسب‌ترین شیوه واگذاری پیشنهاد شود.

وضعیت دو باشگاه در اسناد، قوانین و مقررات

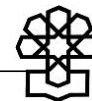
سرمایه اولیه دو باشگاه استقلال و پرسپولیس - قبل از انقلاب شکوهمند اسلامی - متعلق به بخش غیردولتی بود. با این حال، اسناد موجود نشان می‌دهند باشگاه استقلال (سازمان ورزشی و فرهنگی تاج سابق) در موارد متعدد از محل بودجه عمومی وقت مورد حمایت واقع شده و نسبت به باشگاه پرسپولیس (که به صورت شرکت سهامی فوتبال ایران به ثبت رسیده بود) دارای املاک و مستغلات بیشتری بود و حمایت‌ها از باشگاه پرسپولیس صرفاً معطوف به معافیت‌های مالیاتی بود. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، به موجب «لایحه قانونی واگذاری سازمان ورزشی و فرهنگی تاج به سازمان تربیت بدنی ایران» مصوب هشتم مهرماه ۱۳۵۸ شورای انقلاب اسلامی، کلیه اموال منقول و غیرمنقول و مطالبات و دیون سازمان ورزشی و فرهنگی تاج همراه با پرسنل واحدهای سازمان مذکور به سازمان تربیت بدنی ایران واگذار شد. مدتی بعد، به موجب «لایحه قانونی راجع به مردمی کردن باشگاه‌های ورزشی عمومی کشور» مصوب ۲۷ آذرماه ۱۳۵۸ شورای انقلاب اسلامی، کلیه باشگاه‌های عمومی^۱ در سراسر کشور ملی اعلام و اداره امور آن را از طریق خودکفایی و خودیاری مردم زیر پوشش سازمان تربیت بدنی ایران قرار گرفتند و کلیه اماکن و تأسیسات ورزشی متعلق به این گونه اماکن و تجهیزات ورزشی اداری و منقول و منسوب به سازمان تربیت بدنی ایران واگذار گردید. به نظر می‌رسد باشگاه پرسپولیس از این طریق به مالکیت دولت درآمد. با این حال، برخی از اموال مربوط به دو باشگاه پرسپولیس و استقلال به نهادهای دیگری نیز واگذار شد. برای مثال به موجب لایحه قانونی راجع به واگذاری کلوپ تنیس استقلال و ژاندارمری جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۳۱ خردادماه ۱۳۵۹، کلیه تأسیسات و عرصه و اعیان و اموال منقول و غیرمنقول کلوپ تنیس استقلال جهت پیشبرد امر ورزش و سالم‌سازی نیروی انسانی به ژاندارمری جمهوری اسلامی ایران به این سازمان (نیروی انتظامی کنونی) واگذار شد. هر چند، هم‌اکنون این مجموعه را شرکت توسعه و نگهداری اماکن ورزشی اداره می‌کند و مجموعه فرهنگی ورزشی شهید چمران (سابقاً متعلق به شرکت سی.آر.سی (سهام‌دار پرسپولیس)

۱. باشگاه‌های عمومی آنهایی هستند که با همت و سرمایه‌های شخصی و برای استفاده عموم تأسیس می‌شوند و باشگاه‌های اختصاصی آنهایی هستند که با هزینه یکی از وزارتخانه‌ها و یا ادارات مستقل بانک‌ها و شهرداری‌ها و کارخانه‌ها تأسیس می‌شوند (آیین‌نامه باشگاه‌های ورزشی ایران، مصوب ۱۳۲۹/۶/۸).

توسط بنیاد مستضعفان جمهوری اسلامی ایران تملک شد، هر چند سند حقوقی در این خصوص مشاهده نشده است). لذا همان طور که در بالا به آن اشاره شد، مالکیت دو باشگاه استقلال و پرسپولیس به موجب قوانین فوق‌الذکر به سازمان تربیت بدنی سابق (وزارت ورزش و جوانان کنونی) واگذار شد.

با این حال، قانونگذار محترم نیز در قالب قوانین برنامه پنج‌ساله توسعه و قوانین بودجه سنواتی برای تعیین تکلیف باشگاه‌های ورزشی احکامی را بدین شرح تصویب کرد؛ در بند «ز» ماده (۱۱۷) قانون برنامه چهارم توسعه مصوب ۱۳۸۳، مقرر شد که «صد درصد فعالیت‌های اجرایی و تأمین منابع ورزش حرفه‌ای، با عاملیت بخش‌های خصوصی و تعاونی و باشگاه‌ها صورت گرفته و حمایت‌های دولتی به پشتیبانی قانونی و اداری و تسهیلاتی و کمک‌های اعتباری موردی محدود گردد». با این حال، بند «ب» ماده مذکور به هزینه‌کرد یک درصد از اعتبارات دستگاه‌های اجرایی برای باشگاه‌های ورزشی اشاره داشت و لذا، عملکرد این حکم باعث گسترش باشگاه‌های ورزشی از سوی صنایع وابسته به دولت شد. به علاوه بر اساس بند «۱۴ - ۲۷» قانون بودجه سال ۱۳۹۲ و بند «ع» تبصره «۳» قانون بودجه سال ۱۳۹۳ کل کشور «واگذاری باشگاه‌های فرهنگی و ورزشی» مورد حکم قانونگذار قرار داشته است. در **قانون بودجه سال ۱۳۹۲** چنین آمده است: «دولت مجاز است سهام خود در **باشگاه‌های ورزشی از جمله استقلال و پرسپولیس** را با رعایت قوانین و مقررات **از طریق بورس** به بخش‌های **خصوصی و تعاونی واگذار** و درآمد حاصل را به حساب عمومی ردیف ۳۱۰۵۰۲ واریز نماید». همچنین، بند «ع» تبصره «۳» **قانون بودجه سال ۱۳۹۳** کل کشور مقرر می‌دارد: «در سال ۱۳۹۳ **سهام باشگاه‌های فرهنگی و ورزشی دولتی از طریق مزایده** و با رعایت قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل‌وچهارم قانون اساسی واگذار می‌شود». همچنین، مطابق پیوست (۳) قانون بودجه سال ۱۳۹۷ و لایحه بودجه سال ۱۳۹۸، این دو باشگاه به عنوان شرکت‌های دولتی سودده و ستاره‌دار (در اولویت واگذاری) معرفی شده‌اند (از دیگر سو، باشگاه پرسپولیس به صورت شرکت سهامی عام و باشگاه استقلال به صورت شرکت سهامی خاص ثبت شده است.....). با این حال، واگذاری از طریق بورس و از طریق مزایده مندرج در قانون بودجه سنواتی به نتیجه منتهی نشد.

از سوی دیگر، با ابلاغ سیاست‌های کلی اصل چهل‌وچهارم قانون اساسی و تصویب قانون مربوط در مجلس شورای اسلامی به سال ۱۳۸۷، هیئت وزیران تاکنون در خصوص تعیین تکلیف مالکیت و اداره دو باشگاه تصمیمات گوناگونی اتخاذ کرده است؛ در اجرای ماده (۲) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل‌وچهارم قانون اساسی، آیین‌نامه اجرایی تشخیص، انطباق و طبقه‌بندی فعالیت‌ها و بنگاه‌های



اقتصادی در جمهوری اسلامی ایران با هر یک از سه گروه مصرح^۱ در ماده یاد شده را تصویب کرده که مراتب طی تصویبنامه شماره ۱۱۵۳۲۰/ت ۴۳۱۸۱ ک مورخ ۷ شهریور ۱۳۸۸ ابلاغ شده است. بر اساس ردیف‌های (۳۸۹) و (۳۹۰) پیوست (۳) تصویبنامه مذکور، **باشگاه‌های فرهنگی - ورزشی پیروزی (پرسپولیس) و استقلال جزء گروه (۱) بنگاه‌ها و فعالیت‌های اقتصادی موضوع ماده (۲) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل‌وچهارم قانون اساسی تشخیص داده شدند.**

دو سال بعد هیئت وزیران در جلسه مورخ ۶ مهر ۱۳۹۰ با توجه به تشکیل وزارت ورزش و جوانان و ضرورت حفظ سهم بخش دولتی در ورزش، با انتقال باشگاه‌های فرهنگی - ورزشی پیروزی (پرسپولیس) و استقلال از گروه (۱) بنگاه‌ها و فعالیت‌های اقتصادی موضوع ماده (۲) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل‌وچهارم قانون اساسی پیوست (۳) به گروه (۲) پیوست (۲) تصویبنامه مذکور موافقت کرده که مراتب طی تصویبنامه شماره ۱۴۱۵۳۳/ت ۴۷۳۵۴ هـ مورخ ۱۷ مهر ۱۳۹۰ ابلاغ شده است.

چهار سال پس از آن به تاریخ ۲۷ خردادماه ۱۳۹۴ وزارت امور اقتصادی و دارایی با ادله‌هایی به شرح ذیل خواستار خروج شرکت‌های فرهنگی - ورزشی استقلال ایران و پرسپولیس از گروه‌های مصرح در ماده (۲) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل‌وچهارم قانون اساسی مصوب ۱۳۸۷ شد.

در درخواست وزارت امور اقتصادی و دارایی به هیئت وزیران چنین عنوان شده است که مطابق ماده (۲) اساسنامه شرکت‌های فرهنگی - ورزشی پرسپولیس و استقلال ایران از جمله فعالیت‌های محوله به شرکت‌های مذکور به شرح ذیل در **زمره امور فرهنگی** (یعنی نیازمند تصمیم قانونگذار برای واگذاری) قرار دارند:

الف) فراهم کردن موجبات جذب استعدادهاى بالقوه ورزشی و توسعه تربیت بدنی، ورزش و سالم‌سازی و تندرستی.

ب) ترویج فرهنگ و بینش اسلامی و مبانی اخلاقی و تربیتی اسلام در میان اعضا، علاقمندان و دوستداران.

۱. ابلاغ سیاست‌های کلی اصل چهل‌وچهارم قانون اساسی به سال ۱۳۸۴ و تصویب قانون اجرای سیاست‌های مذکور در ۱۳۸۶ چارچوب اجرای این اصل مهم قانون اساسی را تبیین و تشریح کرد. بر این اساس، بنگاه‌های اقتصادی به سه بخش تقسیم شدند؛ بخش اول شرکت‌های گروه «یک» که می‌بایست صد درصد سهام آنها تا پایان برنامه چهارم توسعه (۱۳۸۸) به بخش خصوصی واگذار می‌شد. بخش دوم مربوط به شرکت‌های گروه «دو» هستند که دولت مجاز است تا ۸۰ درصد سهام این بنگاه‌ها را با بخش خصوصی واگذار کند و در بخش سوم شامل شرکت‌های گروه «سه» می‌باشند که مدیریت و مالکیت آنها در اختیار دولت باقی می‌ماند. هر چند رئیس کلی گروه «۲» در سیاست‌های کلی و صراحت نام شرکت‌های گروه «۳» در ماده (۲) قانون اجرای سیاست‌های مذکور ذکر شده است، با این حال، اختیار توزیع بنگاه‌ها به هر یک از گروه‌های سه‌گانه فوق به هیئت وزیران واگذار شده است. مضاف بر این در سیاست‌های کلی ابلاغی اقتصاد مقاومتی و قانون برنامه پنجم و ششم توسعه بر ضرورت کاهش هزینه‌های دولت، چابک‌سازی، کوچک‌سازی و منطقی‌سازی اندازه دولت و افزایش سهم بخش خصوصی و تعاونی در اقتصاد کشور مورد تأکید واقع شده است.

ج) تشکیل کلاس‌های فرهنگی، ورزشی و آموزشی، تعلیم افکار و اندیشه‌های اسلامی برای ورزشکاران، اعضا و علاقمندان.

د) نشر کتب، نشریات، تهیه فیلم و نوار در زمینه فرهنگی و ورزشی و برگزاری مراسم و جلسات فرهنگی - ورزشی.

و بر همین اساس، وزارت مزبور به استناد صدر تبصره «۲» بند «ج» ماده (۳) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم قانون اساسی مبنی بر اینکه «فعالیت‌های حوزه‌های سلامت، آموزش و تحقیقات و فرهنگ مشمول این قانون نیست...» خواستار خروج شرکت‌های فرهنگی - ورزشی استقلال ایران و پرسپولیس از گروه‌های مصرح در ماده (۲) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم قانون اساسی مصوب ۱۳۸۷ شد که مراتب طی تصویبنامه شماره ۶۷۶۰۴/ت ۵۲۰۵۸ هـ مورخ ۲۸ مرداد ۱۳۹۴ ابلاغ گردید. شایان ذکر اینکه در پی شکایت دیوان محاسبات به دیوان عدالت اداری مبنی بر ابطال تصویبنامه هیئت وزیران به شماره ۶۷۶۰۴/ت ۵۲۰۵۸ هـ مورخ ۲۸ مرداد ۹۴ (خروج نام دو باشگاه از فهرست گروه (۲))، هیئت تخصصی دیوان عدالت اداری به استناد تبصره «۲» بند «ج» ماده (۳) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (فعالیت‌های حوزه فرهنگ مشمول احکام واگذاری این قانون نمی‌باشد) رأی به ابطال مصوبه هیئت وزیران نداده و اذعان داشته که «مصوبه مورد شکایت خلاف قانون و خارج از اختیار نبوده است».

سه سال پس از این ابلاغیه، وزارت ورزش و جوانان در انتهای سال ۱۳۹۷، به استناد قوانین فیفا و کنفدراسیون فوتبال آسیا (AFC) و اقدامات انجام شده از سوی وزارت ورزش و جوانان در زمینه باشگاه‌های یاد شده همچون:

- تشکیل مجمع عمومی قانونی این دو باشگاه بر اساس قوانین و مقررات و مصوبات دولت و اصلاح ترکیب هیئت مدیره دو باشگاه،

- خودکفایی مالی دو باشگاه و تأمین منابع مالی مناسب برای هزینه‌های جاری از طریق اصلاح قرارداد اسپانسرها (حامیان مالی)،

- تسویه و پرداخت بیش از ۸۰ درصد از بدهی‌های بیست سال گذشته دو باشگاه ظرف یک سال گذشته به اشخاص حقیقی،

- تعیین تکلیف مشکل مالیاتی این دو باشگاه،

- اخذ مجوز حرفه‌ای برای دو باشگاه از AFC (کنفدراسیون فوتبال آسیا).

درخواست نموده است تا با استفاده از ظرفیت‌های قانون سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم، قابلیت واگذاری این دو باشگاه فراهم گردد. این درخواست مورد موافقت ریاست محترم جمهور قرار گرفت. بر این اساس وزارت امور اقتصادی و دارایی با توجه به درخواست وزارت ورزش و جوانان و



موافقت رئیس‌جمهور محترم پیشنهاد نمود تا «شرکت‌های فرهنگی - ورزشی استقلال ایران و پیروزی (پرسپولیس) زیرمجموعه وزارت ورزش و جوانان در فهرست شرکت‌های گروه (۱) موضوع ماده (۲) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل‌وچهارم قانون اساسی طبقه‌بندی گردند تا با تصویب هیئت واگذاری در اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل‌وچهارم قانون اساسی واگذار شوند. در این راستا هیئت وزیران در جلسه ۲۵ آذرماه ۱۳۹۷ به پیشنهاد وزارت امور اقتصادی و دارایی و به استناد مواد (۲) و (۳) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل‌وچهارم قانون اساسی - مصوب ۱۳۸۷ - با لغو تصویب‌نامه شماره ۶۷۶۰۴/ت۵۸۲۰۵۸-هـ مورخ ۲۸ مرداد ۱۳۹۴ با واگذاری شرکت‌های فرهنگی - ورزشی استقلال ایران و پیروزی (پرسپولیس) موافقت نمود.^۱

بنابراین، همان طور که مشاهده می‌شود طی ۹ سال اخیر، هیئت وزیران در خصوص وضعیت دو باشگاه از حیث قرارگیری در یا خروج از گروه (۱) و (۲) ماده (۲) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل‌وچهارم (۴۴) قانون اساسی اتخاذ تصمیم کرده است و نحوه اداره دو باشگاه را چهار مرتبه تغییر داده است؛ در سال ۱۳۸۸، در گروه (۱) قرار داشتند (سرمایه‌گذاری، مالکیت و مدیریت در فعالیت‌های این گروه منحصراً در اختیار بخش غیردولتی است)، سال ۱۳۹۰ به گروه (۲) منتقل شدند (دولت مجاز است تا ۸۰ درصد سهام این بنگاه‌ها را به بخش خصوصی واگذار کند)، سال ۱۳۹۴ از شمول گروه‌های مصرح در ماده (۲) خارج شدند و سرانجام سال ۱۳۹۷ مجدداً و بدون اینکه مقررات بین‌المللی حاکم بر باشگاه‌ها تغییر یابند یا بستر مناسب فعالیت‌های اقتصادی و ورزشی برای آنها فراهم شود و قواعد حقوقی لازم (حق پخش تلویزیونی، حق مالکیت معنوی و حق استفاده درآمدهای روز مسابقه) پیش‌بینی شوند به وضعیت نخستین ۹ سال قبل یعنی گروه (۱) بازگشتند.

با این حال فقدان ضمانت اجرایی لازم برای تحقق این احکام و عدم استفاده از «حق مالکیت معنوی» و نیز بهره‌ناچیز باشگاه‌ها از «درآمدهای روز مسابقه» به دلیل نداشتن استادیوم اختصاصی و مهم‌تر از همه خلأ قانونی در استفاده باشگاه‌ها از «درآمدهای حاصل از پخش مسابقات ورزشی یا اصطلاحاً حق پخش تلویزیونی»، موجب شده است تا اجرایی شدن قوانین مزبور، میسر نشوند. بنابراین، ضروری است در تدوین و اجرای قوانین مربوطه، رفع موانع موجود و بهبود وضعیت اقتصادی باشگاه‌ها نیز مدنظر قرار گیرد. چه آنکه تجربه در این باره نشان داده است که تدوین و تصویب قوانین بدون توجه به مقدمات امر منتج به نتیجه مطلوب نمی‌شود.

وضعیت کنونی دو باشگاه ورزشی از حیث شیوه مدیریت، مالکیت و عملکرد

هم‌اکنون باشگاه پرسپولیس به صورت شرکت سهامی عام و باشگاه استقلال به صورت شرکت سهامی خاص ثبت شده‌اند و هر دو تحت مدیریت و مالکیت وزارت ورزش و جوانان قرار دارند. به نظر می‌رسد دولت بر اساس بند «۱۶» سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی^۱ و سیاست‌های کلی اصل چهارم و چهارم قانون اساسی و مصوبات و مقررات مربوط،^۲ از یک سو با واگذاری بخشی از امور خواهان چابک‌سازی و منطقی‌سازی اندازه خود است که علاوه بر صرفه‌جویی در منابع عمومی و کاستن از بار مالی دولت می‌تواند به گسترش سهم عموم مردم و افزایش سهم بخش‌های خصوصی و غیردولتی در اقتصاد ملی کمک کند. از سوی دیگر، شواهد سالیان اخیر حاکی از این است که دولت چندان تمایل جدی برای واگذاری دو باشگاه استقلال و پرسپولیس نداشته است؛ این موضوع می‌تواند ریشه در عواملی چون وجود پایگاه قوی اجتماعی - سیاسی دو باشگاه و به تبع آن نگرانی‌های اجتماعی و امنیتی، نبود زیرساخت‌های مناسب برای واگذاری، ترس از عدم موفقیت بخش خصوصی در اداره دو باشگاه و در نهایت، منفعت مادی و سیاسی برای برخی افراد داشته باشد. با این حال، برخی اذعان می‌دارند که ادامه روند کنونی به صلاح باشگاه‌ها، دولت و عموم مردم نیست و برخی نیز با توجه به ماهیت فوتبال در ایجاد دوقطبی‌های اجتماعی و نیز جایگاه و پایگاه فرهنگی - اجتماعی این دو بنگاه به واقع نگران وقایع احتمالی پس از واگذاری هستند.

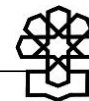
با این وصف، عملکرد ورزشی و اقتصادی دو باشگاه طی سالیان اخیر با نوسان‌ها و فراز و فرودهایی همراه بوده است؛ هر چند به لحاظ مالی طی دو سال اخیر روند بهتری نسبت به سنوات پیشین داشته‌اند و بعضاً با حمایت اسپانسرها، کمک هواداران از طریق سامانه‌های پیامکی و ثبات مدیریتی نتایج قابل قبولی نیز کسب شده است، اما به طور معمول می‌توان وضعیت دو باشگاه را در موارد ذیل خلاصه کرد:

۱. مطابق تبصره ذیل ماده (۱۳) قانون برنامه پنجم توسعه و تبصره «۴» ماده (۹۴) قانون برنامه ششم توسعه، پرداخت هرگونه وجه از محل بودجه عمومی کشور به هر شکل و به هر نحو به ورزش حرفه‌ای ممنوع شده است و لذا وزارت ورزش و جوانان به عنوان مالک دو باشگاه نمی‌تواند هیچ‌گونه پرداختی به دو باشگاه استقلال و پرسپولیس داشته باشد.

۲. با این حال، بیش از ۸۰ درصد بودجه وزارت ورزش و جوانان در قالب کمک به فدراسیون‌ها و هیئت‌های ورزشی اختصاص می‌یابد، هرچند مطابق گزارش دیوان محاسبات از سال ۱۳۹۲ تاکنون از محل بودجه عمومی کشور هیچ‌گونه وجهی به این دو باشگاه پرداخت نشده است، لکن به استناد مواد (۲۳) و (۷۱) قانون محاسبات عمومی از این حیث که «کمک» هزینه قطعی تلقی شده است و وجوه پرداختی در قالب کمک چندان قابل رصد و پیگیری نمی‌باشد، ممکن است این حمایت‌ها انجام شده باشد.

۱. بند «۱۶» سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی (۱۳۹۲)؛ صرفه‌جویی در هزینه‌های عمومی کشور با تأکید بر تحول اساسی در ساختارها، منطقی‌سازی اندازه دولت و حذف دستگاه‌های موازی و غیرضرور و هزینه‌های زائد.

۲. تغییر نقش دولت از مالکیت و مدیریت مستقیم بنگاه به سیاست‌گذاری و هدایت و نظارت.



۳. گمارده شدن افراد سیاسی و بعضاً غیرورزشی به اداره دو باشگاه و ناکارآمدی مدیران و بی‌ثباتی در مدیریت دو باشگاه.
 ۴. ناتوانی رقابت برخی از تیم‌ها و باشگاه‌های خصوصی ورزشی با تیم‌های دولتی و خارج شدن آنها از گردونه مسابقات و فعالیت‌های ورزشی.
 ۵. کم‌توانی و کاهش قدرت دو باشگاه استقلال و پرسپولیس در رقابت اقتصادی، زیرساختی و ورزشی با تیم‌های صنعتی یا وابسته به صنایع بزرگ.
 ۶. فعالیت نه‌چندان چشمگیر باشگاه‌ها در بخش‌های تجاری - اقتصادی برای کسب درآمد و استقلال در تأمین بودجه سالیانه به جهت نبود زیرساخت‌های نرم‌افزاری و سخت‌افزاری جهت کسب درآمد دو باشگاه و عدم بهره‌مندی دو باشگاه از حق پخش مسابقات ورزشی، حق مالکیت معنوی و درآمدهای روز مسابقه.
 ۷. وجود مشکلات مالی و مالیاتی و بدهی به اشخاص حقیقی و حقوقی برای دو باشگاه و وجود مشکلات حقوقی بین‌المللی در نحوه اداره دو باشگاه.
 ۸. عقد قراردادهای هنگفت با بازیکنان و مربیان، صرف هزینه‌های بسیار و عدم مدیریت صحیح هزینه.
 ۹. عدم شفافیت مالی و فقدان پاسخگویی به مراجع ذی‌صلاح در خصوص نحوه هزینه‌کردها و درآمدها.
 ۱۰. عدم سرمایه‌گذاری در سایر رشته‌های ورزشی پایه و نیز کم‌توجهی به توسعه ورزش سنین پایه و تقلیل جایگاه حقوقی و عملکردی دو باشگاه ورزشی به دو تیم فوتبال ورزشی.
- بنابراین با توجه به مشکلات فوق‌الذکر و ضرورت اجرای قوانین داخلی و مقررات بین‌المللی مبنی بر منع مداخله دولت در امور دو باشگاه ورزشی و با توجه به جایگاه و پایگاه فرهنگی و سیاسی این دو بنگاه عظیم اجتماعی، شایسته است مناسب‌ترین شیوه اداره دو باشگاه اتخاذ شود.

صورت‌های مالی، بدهی‌ها و دارایی‌های دو باشگاه

مسئولان سازمان خصوصی‌سازی در جلسات کارشناسی و گفتگوهای رسانه‌ای اخیر اذعان داشتند که در شرایط کنونی واگذاری این دو باشگاه با تمام دارایی‌ها و اموال و املاک انجام می‌پذیرد و واگذاری مدنظر فقط فروش برند (به عبارت دقیق‌تر نام باشگاه) نیست، اما در مقابل مسئولان وزارت ورزش و جوانان مدعی‌اند که این دو باشگاه هیچ‌گونه ملک و ساختمانی ندارند و دو استادیوم شهید مرغوبکار و شهید درفشی‌فر متعلق به وزارت بوده و برای انتقال سند مالکیت این دو به نام دو باشگاه تمایلی ندارد.

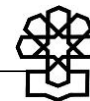
با این حال، مطابق مصوبه هیئت وزیران به شماره ۲۰۳۱۷۹/ت/۴۸۶۶۳ هـ مورخ ۱۳۹۱/۹/۱۲ بنا به پیشنهاد وزارت ورزش و جوانان، مجموعه‌های ورزشی شهید درفشی فر و شهید مرغوبکار به ترتیب به شرکت‌های فرهنگی - ورزشی استقلال و پرسپولیس انتقال یافت. لکن، مطابق آنچه در صورت مالی دو باشگاه ذکر شده است در حال حاضر سند مالکیت دو مجموعه مذکور به نام دو باشگاه نیست و مضافاً اینکه ساختمان (دفتر) دو باشگاه نیز به نام فدراسیون فوتبال است. به علاوه، مفاد مندرج در صورت‌های مالی دو باشگاه به این اشاره دارند که: «دو شرکت مذکور فاقد سیستم مناسب در خصوص تعیین بهای تمام شده فعالیت‌های ورزشی خود می‌باشند و تفکیک و تخصیص درآمدها و هزینه‌های عملیاتی و هزینه‌های اداری و عمومی و تشکیلاتی نیز طبق استانداردهای حسابداری نبوده و فاقد مبانی منطقی است. به علاوه سیستم کنترل‌های داخلی مناسب و کارآمد جهت شناسایی و ثبت به موقع رویدادهای مالی و گردآوری اسناد و مدارک مربوط به بدهی‌ها و بدهی‌های احتمالی استقرار نیافته است. از طرفی در صورت‌های مالی آمده است؛ بعضاً مشاهده شده است که تنظیم قراردادهای به‌گونه‌ای است که اطمینان از ثبت درآمدها و هزینه‌های شناسایی شده طی سال به طور کامل امکان‌پذیر نمی‌باشد. همچنین در مواردی دریافت‌ها و پرداخت‌ها و وصول بخشی از درآمدها و متعاقباً انجام هزینه یا ایجاد دارایی از محل درآمدهای مزبور به طور مستقیم و خارج از سیستم‌های بانکی صورت پذیرفته است».

الزامات خصوصی‌سازی و بسترسازی فعالیت‌های اقتصادی باشگاه‌های ورزشی

قبل از بحث در این خصوص لازم است به نحوه اداره باشگاه‌های فوتبال در کشورهای صاحب سبک به طور اجمالی پرداخته شود:

۱. انگلیس

لیگ برتر فوتبال انگلیس پُردرآمدترین لیگ فوتبال جهان است. بر اساس آخرین اطلاعات ارائه شده (سال ۲۰۱۸) نُه (۹) تیم باشگاهی لیگ برتر انگلیس در میان ۲۰ باشگاه پُردرآمد جهان قرار دارند و همه ۲۰ تیم حاضر در لیگ برتر انگلیس در لیست ۴۰ باشگاه پُردرآمد جهان قرار گرفته‌اند. سهم لیگ برتر انگلیس از مجموع ۷/۹ میلیارد یورو درآمد سالیانه (سال ۲۰۱۸) ۲۰ باشگاه پُردرآمد فوتبال جهان، ۳/۷ میلیارد یورو یعنی حدود ۴۷ درصد است در حالی که این نسبت در سال ۲۰۱۴ حدود ۴۰ درصد بود. لیگ این کشور نخستین لیگ اروپا بود که حرفه‌ای شد. باشگاه تاتنهام این کشور نخستین باشگاهی بود که با عرضه سهام خود در بورس در سال ۱۹۸۳ بیش از ۳/۳ میلیون پوند درآمد به دست آورد. باشگاه منچستر یونایتد نیز در سال ۱۹۹۱ وارد بورس لندن شد و طی سال‌های ۱۹۹۵ تا ۱۹۹۷،



۱۶ باشگاه دیگر نیز به بورس راه یافتند و در حال حاضر ۲۰ باشگاه مطرح انگلستان در بورس لندن قرار داشته و از این طریق هزاران نفر هوادار فوتبال سهام‌دار این باشگاه‌ها هستند و از طریق دادوستد سهام علاوه بر کسب سود، به باشگاه‌های خود نیز کمک مالی فراوانی می‌کنند.

باشگاه منچستر یونایتد به عنوان باشگاهی پُرطرفدار با میانگین ۷۵,۰۰۰ تماشاگر در هر بازی، در لیگ ۲۰۱۸-۲۰۱۷ و به عنوان سومین باشگاه پُر درآمد جهان بالغ بر ۶۶۶ میلیون یورو (معادل بیش از ۷ هزار میلیارد تومان) درآمد کسب کرد (۴۷ درصد درآمد از محل فعالیت‌های تجاری و اقتصادی، ۳۵ درصد درآمد از محل حق پخش رسانه‌ای و ۱۸ درصد از محل درآمدهای روز مسابقه).

در لیگ برتر انگلیس هر سهام‌دار تنها می‌تواند سهام یک باشگاه را بخرد. در این شیوه مدیریتی، هیئت مدیره باشگاه با انتخاب مدیرعامل از وی انتظار سود رساندن به صاحبان سهام شرکت را دارد. بنابراین، نگرش مدیریتی به فوتبال در انگلیس کاملاً یک نگرش اقتصادی و بازرگانی است. هر چند، برخی از تیم‌های لیگ برتر این کشور توسط یک فرد اداره می‌شوند و تمام یا بخش عمده سهام آنها به یک فرد یا شرکت تجاری تعلق دارد که از جمله می‌توان به چلسی و منچستر سیتی اشاره کرد. اگرچه در نگاه اول سرمایه‌گذاری ثروتمندان بزرگ در این کشور باعث رونق فوتبال باشگاهی و افزایش جذابیت لیگ فوتبال آنها شده، اما به نظر می‌رسد این امر به جهت به خدمت گرفتن ستاره‌های فوتبالی سراسر دنیا در راستای جلب توجه رسانه‌ها و اسپانسرها و کسب درآمد از این طریق و در پی آن کم‌توجهی به بازیکنان بومی و وطنی، سبب تضعیف فوتبال ملی در انگلیس طی سالیان گذشته شده است.

۲. آلمان

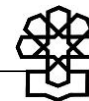
کشور آلمان بخشی از تولید ناخالص ملی خود را از طریق سرمایه‌گذاری در صنعت ورزش و رونق اقتصاد ورزش به دست می‌آورد. در بیشتر باشگاه‌های لیگ فوتبال آلمان سهام‌دار نمی‌تواند بیشتر از ۵۱ درصد سهام باشگاه را بخرد. کمتر مشاهده می‌شود که در لیگ آلمان یک نفر سهام‌دار عمده و مالک اصلی باشگاه باشد. با این حال، یکی از معضلاتی که سلامت مسابقات را می‌تواند به خطر بیندازد این است که یک سهام‌دار ممکن است هم‌زمان سهام‌دار دو یا چند باشگاه باشد. باشگاه بایرن مونیخ نمونه‌ای موفق از این کشور است که عمدتاً توسط پیشکسوتان خود اداره می‌شود. این باشگاه با درآمد ۶۲۹ میلیون یورویی، در حالی که به عنوان چهارمین باشگاه پُر درآمد جهان در سال ۲۰۱۸ معرفی شد که مالکیت آن را اعضای باشگاه و هواداران بر عهده دارند. این باشگاه حدود ۵۵ درصد از درآمد سالیانه خود را از طریق فعالیت‌های تجاری و اقتصادی تأمین می‌کند. همچنین میزان استقبال هواداران برای تماشای بازی این تیم بسیار بالاست و رقمی حدود ۷۲,۸۸۲ نفر در هر بازی موجب شده تا درآمد سالیانه این باشگاه از درآمدهای روز مسابقه چیزی حدود ۱۰۳ میلیون یورو (یعنی بالغ بر هزار میلیارد تومان) باشد.

۳. اسپانیا

در کشور اسپانیا معمولاً سهام‌دار نمی‌تواند سهمی بیشتر از ۵ درصد داشته باشد. در این کشور باشگاه‌های بزرگی چون بارسلونا و رئال مادرید به صورت انجمن ثبت شده‌اند و مالکیت‌شان به شکل تعاونی است. بدین معنا که رئال مادرید به هوادارانش تعلق دارد و هواداران رئیس باشگاه را انتخاب می‌کنند. این باشگاه پُرطرفدار و با میانگین حدود ۷۴,۰۰۰ تماشاگر در هر بازی در حالی به عنوان پُردرآمدترین باشگاه جهان معرفی شده است که با رشد ۳۶ درصدی در کسب درآمد نسبت به سه سال پیش به رقم ۷۵۰ میلیون یورو درآمد در سال ۲۰۱۸ رسید و بخش عمده این درآمد (۴۷ درصد) ناشی از فعالیت‌های تجاری و اقتصادی، ۳۴ درصد درآمد حاصل از حق پخش رسانه‌ای و ۱۹ درصد درآمدهای این باشگاه از محل فعالیت‌های روز مسابقه است. باشگاه بارسلونا بهترین نمونه‌ای است که روشن می‌کند چگونه یک باشگاه فوتبال می‌تواند به صورت تعاونی اداره شود و در عین حال در عرصه اقتصادی و ورزشی نیز موفق باشد (با ۶۹۰ میلیون یورو درآمد در سال ۲۰۱۸). مالکان باشگاه بارسلونا به عنوان دومین باشگاه پُردرآمد جهان، نه تجار و غول‌های اقتصادی خارجی، بلکه هوادارانش هستند که تعدادشان بیش از ۱۵۰ هزار نفر است و اعضا (شرکا) مبلغی سالیانه به باشگاه پرداخت می‌کنند (محل‌های کسب درآمد همانند باشگاه رئال مادرید به نسبت ۴۷ درصد فعالیت‌های تجاری، ۳۲ درصد فعالیت‌های رسانه‌ای و ۲۱ درصد درآمد روز مسابقه است). هیئت مدیره و رئیس باشگاه را این اعضا انتخاب می‌کنند. این باشگاه با برنامه‌ریزی در زمینه توسعه فوتبال پایه و شناسایی و پروراندن استعدادها، فوتبال در آکادمی فوتبال خود (لاماسیا) توانسته سرمایه فوتبالی و مالی خوبی کسب کند. باشگاه بارسلونا بیش از آنکه به استخدام بازیکنان و ستاره‌های فوتبالی دلمشغول باشد و هزینه‌های گزافی را صرف خرید آنها کند به پرورش استعدادها، فوتبالی نوجوانان و به شکل‌دهی، بسط و حفظ انسجام تیمی خود می‌پردازد و این گونه موجبات پیشرفت اقتصادی و فوتبالی باشگاه خود را فراهم می‌سازد. این باشگاه با میانگین ۷۷,۰۰۰ تماشاگر در هر بازی و کسب درآمد ۱۴۴/۸ میلیون یورویی ناشی از بلیت‌فروشی در ردیف سرآمدان ورزشی و اقتصادی باشگاه‌های جهان قرار دارد.

۴. ترکیه

در کشور ترکیه سازوکار خصوصی‌سازی باشگاه‌های فوتبال عملکرد مناسبی داشته است. در این کشور حق پخش تلویزیونی برای مسابقات حرفه‌ای فوتبال مصوب شد، وام‌های کلان کم‌سود و دیربازده برای مالکان باشگاه‌ها در نظر گرفته شد، ورزشگاه‌ها در قالب اجاره‌های بسیار کم در اختیار مالکان باشگاه‌ها قرار گرفت تا باشگاه‌ها بکوشند و پس از آنکه راه درآمدزایی را پیدا کردند، موفق شدند خودشان ورزشگاه بسازند و رشد کنند و فوتبال را به رونق اقتصادی برسانند و چنین شد که باشگاه‌های فوتبال ترکیه هم به لحاظ ورزشی و



هم به لحاظ اقتصادی پیشرفت قابل قبولی یافتند تا جایی که باشگاه گالاتاسرای در برخی سال‌ها به عنوان هجدهمین تیم درآمدزای جهان شناخته شد و گفته شده است که با میانگین تماشاگر ۴۱,۴۲۵ نفر در هر بازی، درآمد سالیانه این باشگاه ۱۶۱/۹ میلیون یورو بوده است.

به طور خلاصه، مالکیت خصوصی در انگلستان، مدل تعاونی در چند باشگاه اسپانیایی و

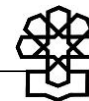
نیز فوتبال آلمان که سعی کرده یک راه‌حل بینابین را استفاده کند، موفق بوده‌اند. این

موفقیت جدای از شیوه مناسب مدیریت باشگاه بیشتر مرهون فراهم بودن بستر مناسب و زیرساخت‌های لازم برای درآمدزایی و رونق اقتصادی است (به طور متوسط ۴۰ درصد درآمدهای باشگاه‌های پردرآمد جهان در سال ۲۰۱۸ حاصل از فعالیت‌های تجاری، ۴۳ درصد از طریق فعالیت‌های رسانه‌ای و فروش حق پخش مسابقات ورزشی و ۱۷ درصد در پی فعالیت‌های روز مسابقه از طریق فروش بلیت و اقلام باشگاه حاصل شده است). برای مثال یکی از زیرساخت‌های موفقیت ورزشی و اقتصادی باشگاه‌های فوتبال جهان استفاده از درآمد ناشی از «فروش حق پخش مسابقات» است. حق پخش در برخی کشورها نظیر اسپانیا و ایتالیا به صورت نامتمرکز (فروش حق پخش مسابقات توسط خود باشگاه) و در برخی کشورها مثل آلمان، انگلیس، فرانسه، ژاپن و ترکیه به صورت متمرکز (فروش حق پخش مسابقات از سوی سازمان لیگ به شبکه‌ها و شرکت‌های تلویزیونی و تقسیم سهم باشگاه‌ها بر اساس معیارهای مشخص) صورت می‌گیرد. هرچند باشگاه‌های مطرح فوتبال دنیا درآمد زیادی از محل «حق پخش تلویزیونی» کسب می‌کنند، اما در هیچ‌کدام از این کشورها حق پخش مسابقات باشگاهی را رسانه‌های ملی یا دولتی پرداخت نمی‌کنند و این شبکه‌های خصوصی‌اند که پخش مسابقات را از باشگاه‌ها خریداری می‌کنند. عمده باشگاه‌های مطرح در این کشورها، شبکه تلویزیونی اختصاصی نیز دارند که از این طریق نیز با پخش برنامه‌های مربوط به باشگاه خود و در خلال آن پخش و تبلیغ آگهی‌های بازرگانی به طور مستقیم به درآمدزایی می‌پردازند. همچنین، «حق مالکیت معنوی» در این کشورها محفوظ است و این امر باعث شده تا باشگاه‌ها، بخش زیادی از درآمدهای خود را به واسطه فعالیت‌های تجاری و فروش لوازم و وسایل ورزشی مربوطه کسب کنند. ایجاد شعب و نمایندگی‌های مستقیم فروش کالاهای ورزشی، دایر کردن آکادمی فوتبال در کشورهای مختلف جهان و جذب شرکت‌های اقتصادی بزرگ به عنوان اسپانسر برای تبلیغ محصولات آنها از دیگر راه‌های کسب درآمد این باشگاه‌هاست. از سوی دیگر باشگاه‌های مطرح در این کشورها دارای استادیوم اختصاصی هستند و لذا «درآمد ناشی از فروش بلیت و نیز تبلیغات محیطی» کاملاً متعلق به باشگاه است. به علاوه، باشگاه‌های مذکور، مدارس فوتبالی دارند که اولاً با توسعه فوتبال پایه و پرورش استعدادهای ورزشی زمینه توسعه فوتبال بزرگسالان و ایجاد سرمایه‌های

ورزشی برای آینده باشگاه را فراهم می‌کند و در ثانی با فروش برخی از بازیکنان پرورش یافته در مدارس و آکادمی‌های فوتبال مربوطه موجبات درآمدزایی بیشتر را فراهم می‌کنند.

با این حال، در حال حاضر هیچ قانونی در خصوص نظام باشگاه‌داری ورزش حرفه‌ای یا به عبارتی قوانینی که متضمن حمایت از فعالیت‌های اقتصادی، ساماندهی اقدام‌ها و برنامه‌های ورزشی و توسعه کمی و کیفی ورزش حرفه‌ای باشد، در کشور ما وجود ندارد. هرچند بند «ب» ماده (۱۱۷) قانون برنامه چهارم توسعه کلیه دستگاه‌های اجرایی را به هزینه‌کرد یک درصد از اعتبارات خود در امور ورزش مجاز دانسته بود، اما عدم رویکرد و جهت‌گیری مشخص و ضابطه‌مند نبودن هزینه‌کردها در این باره باعث شد تا برخی از صنایع مادر به توسعه فوتبال روی آورند و این امر باعث بالا رفتن رقم قراردادهای دستمزدهای بازیکنان و مربیان و وابسته بودن بیش از پیش آنها به دولت شد. عملکرد و نتیجه نامطلوب این حکم باعث شد تا قانونگذار در قانون برنامه پنجم توسعه در قالب تبصره ذیل ماده (۱۳)، پرداخت هرگونه وجه از بودجه عمومی کشور را به ورزش حرفه‌ای ممنوع کند، بدون آنکه سایر حقوق متولیان ورزش حرفه‌ای از جمله حق پخش مسابقات ورزشی (درآمدهای حاصل از پخش آگهی‌های تبلیغاتی در اثنای مسابقات ورزشی)، حق مالکیت معنوی (انحصار در استفاده از نام و نشان باشگاه) و استفاده از درآمدهای روز مسابقه (درآمد تبلیغات محیطی مجموعه ورزشی، فروش بلیت و واگذاری پارکینگ، فروش مواد غذایی، پرچم، شال و کلاه و...) را مورد توجه قرار دهد. در قانون برنامه ششم توسعه، قانونگذار بر آن شد تا بخشی از ضعف ناشی از قانون برنامه پنجم توسعه را پوشش دهد و لذا در قالب حکم بند «پ» ماده (۹۲) قانون برنامه ششم توسعه دولت را مکلف نمود «تا پایان سال اول اجرای برنامه با مشارکت سازمان صداوسیما و وزارت ورزش و جوانان، تمهیدات قانونی لازم در خصوص نحوه تقسیم درآمدهای تبلیغاتی ناشی از پخش مسابقات ورزشی را پیش‌بینی نماید». با این حال، با گذشت دو سال از قانون مذکور، این امر هنوز به نتیجه مدنظر منتهی نشده است. بنابراین، در این شرایط و مادامی که بستر مناسب برای فعالیت‌های اقتصادی باشگاه‌ها و دسترسی به حقوق‌شان فراهم نیست می‌توان پیش‌بینی کرد که واگذاری دو باشگاه استقلال و پرسپولیس به مطلوب منجر نمی‌شود. چه آنکه، برخی کارشناسان حوزه اقتصادی معتقدند که خصوصی‌سازی شکست می‌خورد اگر دولت دانش و مهارت کافی برای فراهم کردن شرایط و زمینه‌ها و یارانه‌های لازم برای حفظ انگیزه مالک خصوصی یا اپراتور خصوصی جدید را نداشته باشد، یا دولت نتواند (یا نخواهد) بستر لازم برای فعالیت اقتصادی بنگاه را در شرایط رقابتی فراهم کند و شرایط مساعد شناخته شده و قانونی شده را ضمانت و حفاظت نماید، یا دولت توان (یا انگیزه) لازم برای تصحیح و جبران مقررات نادرست را نداشته باشد.^۱

۱. سیداحسان خاندوزی، نشست تخصصی، مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۹۷.



بنابراین می‌توان اذعان کرد که با خصوصی‌سازی و واگذاری دو باشگاه استقلال و پرسپولیس به بخش خصوصی، لزوماً مسائل و مشکلات مبتلا به آنها برطرف نخواهد شد و واگذاری باشگاه‌ها با همین ساختار و در وضعیت موجود، می‌تواند بقای این دو باشگاه مردمی را به مخاطره بیندازد. از این رو ضروری است جهت سامان بخشیدن به مالکیت و مدیریت دو باشگاه موارد زیر مورد توجه قرار گیرد.

نخست - توجه به نقش و جایگاه متفاوت هواداران باشگاه در مقایسه با مشتریان یک شرکت روابط میان هواداران و باشگاه، چیزی متفاوت از روابط معمول میان یک شرکت و مشتریان است. هواداران باشگاه فوتبال، ذی‌نفعی کلیدی محسوب می‌شوند که مشارکتشان در باشگاه به اعلام وفاداری نسبت به تیم محدود نمی‌شود، بلکه آنها به صورت فعالانه در زمان مسابقات از تیم حمایت می‌کنند و در مسائل مالی باشگاه نیز به طرق مختلف کاملاً اثرگذار هستند. لذا، ثبت باشگاه‌های فوتبال در قالب شرکت سهامی خاص، مشارکت هواداران باشگاه‌ها را به میزان زیادی محدود می‌سازد. مهم‌ترین پیامد آن عدم حضور هواداران یا نمایندگان آنها در جلسات مجمع عمومی و به تبع آن پاسخگو نبودن هیئت مدیره شرکت در قبال این ذی‌نفعان کلیدی خواهد بود. از این رو ضروری است باشگاه‌های فوتبال در قالب شرکت سهامی عام ثبت شوند تا هواداران تیم‌ها نیز بتوانند بخشی از سهام باشگاه را در اختیار داشته باشند. تحقق این مهم مستلزم فراهم کردن شرایط و الزامات پذیره‌نویسی و عرضه اولیه سهام این باشگاه‌ها در بورس اوراق بهادار تهران یا فرابورس است که در حال حاضر این باشگاه‌ها برخی از الزامات مربوطه را دارا نیستند.

با سهام‌داری هواداران، مدیران باشگاه برای عملکرد بهتر تحت فشار قرار می‌گیرند و باید نسبت به این ذی‌نفعان کلیدی پاسخگویی داشته باشند. در سایر کسب‌وکارها، سهام‌داران در صورت مشاهده عملکرد نامناسب مدیران، سهام خود را می‌فروشند و از شرکت خارج می‌شوند و به تبع آن با کاهش قیمت سهام شرکت، مدیران نیز تحت فشار قرار می‌گیرند؛ اما فروش سهام باشگاه، برای هواداران متعصب آنکه به دنبال پیشرفت و شکوفایی باشگاه محبوب خود هستند، به هیچ‌وجه راهی برای اعمال کنترل و نظارت بر مدیران آن نیست؛ از این رو باید مکانیسم‌هایی طراحی کرد که صدای هواداران درخواست‌های ایشان، در تصمیمات مختلف باشگاه انعکاس یابد. برای اثربخش‌تر کردن نقش هواداران در حاکمیت شرکتی باشگاه‌های فوتبال، بایستی کانون‌ها یا اتحادیه‌های هواداری حرفه‌ای تأسیس شود و وزارت ورزش و جوانان و فدراسیون فوتبال بر فعالیت آن نظارت مستمر داشته باشند. آنچه از این مبحث می‌توان استنباط کرد این است که ماهیت این دو باشگاه و فعالیت آن و نفوذ و اثرگذاری آن در سطح جامعه و نقش متقابل هوادار - باشگاه چنین وانمود می‌کند که باشگاه می‌بایست به صورت سهامی عام اداره شود.

دوم - مهیا نمودن بسترهای قانونی و اقتصادی لازم برای تأمین مالی باشگاه‌ها

درست است که فوتبال چیزی فراتر از یک کسب‌وکار است و باشگاه‌های فوتبال علاوه بر دستاوردهای مالی برای جامعه، نوعی سرمایه فرهنگی و اجتماعی نیز محسوب می‌شوند و کارکردهای اجتماعی، فرهنگی و سلامت‌محور دارند؛ اما این بدان معنا نیست که درآمدزایی و سودآوری در اولویت نیست. به ویژه پس از خصوصی‌سازی، حداقل برای مالکان باشگاه‌ها، اهداف اقتصادی در مقایسه با اهداف اجتماعی و ورزشی در اولویت قرار خواهند گرفت. اقتصاد فوتبال در کشور ما تقریباً بحرانی است و باشگاه‌های فوتبال به جای درآمدزایی بیشتر محل هزینه تلقی می‌شوند. عوامل متعددی در شکل‌گیری این شرایط تأثیرگذارند که بخش عمده آن به زیرساخت‌های معیوب اقتصادی و قانونی باز می‌گردد. در وضعیتی که هنوز مسئله حق پخش تلویزیونی، کپی‌رایت محصولات باشگاه‌ها و بلیت‌فروشی در استادیوم‌ها حل نشده است، نمی‌توان مجاری مطمئنی برای تأمین مالی باشگاه‌ها پیش‌بینی کرد. اگر باشگاه‌های استقلال و پرسپولیس در این شرایط و بدون تأمین کانال‌های تأمین مالی مشخص واگذار شوند، خریداران بیشتر با هدف سامان دادن به هزینه‌های تبلیغاتی و کسب شأن اجتماعی برای خود، اقدام به خرید باشگاه‌ها می‌کنند و بعید نیست در صورت مواجهه با بحران‌های مالی و یا رسیدن به هدف شخصی خود، به سبب کاهش انگیزه فعالیت، از هزینه‌ها بکاهند.

سرانجام تأکید می‌شود خصوصی‌سازی و تجاری‌سازی تنها به معنای واگذاری مالکیت یک باشگاه از دولت به بخش خصوصی نیست، بلکه مجموعه اقداماتی را در بر می‌گیرد که باشگاه‌ها به واسطه آن می‌توانند به صورت مستقل فعالیت نمایند، بقای خود را حفظ کنند و سودآور باشند و در ضمن آن به عنوان بخشی از هویت ملی و فرهنگی کشور نیز به انجام فعالیت‌های اثربخش بپردازند. آنچه مشخص است اینکه در حال حاضر هیچ‌یک از الزامات و اقدامات ضروری مذکور در مورد باشگاه‌های استقلال و پرسپولیس صورت نگرفته است و در صورت خصوصی‌سازی بدون برنامه و مطالعه، احتمالاً با ورژن فوتبالی پدیده نیشکر هفت‌تپه مواجه خواهیم شد. در این شرایط ممکن است دولت با خصوصی‌سازی از بار مسئولیت سنگین این باشگاه‌ها به صورت موقت رهایی یابد، اما بی‌شک بحران‌های اجتماعی و امنیتی احتمالی در آینده برای دولت و جامعه مشکل‌ساز خواهد بود.

به طور خلاصه می‌توان گفت، واگذاری دو باشگاه مستلزم رعایت موارد زیر است:

۱. اصلاح اساسنامه و تبدیل آنها به شرکت سهامی عام،
۲. تعیین تکلیف اموال، املاک و ساختمان‌های دو باشگاه،
۳. تعیین تکلیف در خصوص درآمدهای رسانه‌ای ناشی از پخش مسابقات ورزشی و حقوق مالکیت معنوی باشگاه‌ها،
۴. طراحی سازوکارهای کنترلی و نظارتی جهت رفع نگرانی‌های اجتماعی - امنیتی ناشی از واگذاری دو باشگاه.



بررسی الگوها و شیوه واگذاری دو باشگاه

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی در سال ۱۳۹۵ موضوع واگذاری و عدم واگذاری این دو باشگاه را از طریق پرسشنامه (پیوست ۶) در معرض نگاه تخصصی ۱۵ نفر از اساتید دانشگاه با سوابق علمی و اجرایی در سطح کلان ورزش کشور قرار داد که نتایج زیر حاصل شد:

۱. همه اساتید ورزش کشور با دولتی ماندن به هر شکل و ارتزاق مالی دو باشگاه از دولت مخالف بودند.

۲. صد درصد آنها با واگذاری به بخش خصوصی در آن زمان مخالف بودند، استدلال آنها این بود که در حال حاضر زیرساخت‌های مناسب درآمدزا از جمله «فعالیت‌های تجاری»، «حق استفاده از درآمد روز مسابقه» و «حق بهره‌مندی از درآمدهای ناشی از پخش مسابقات» مهیا نیست و لذا واگذاری با این شرایط به شکست منجر می‌شود و بر همین اساس اکثریت با واگذاری به بخش خصوصی به شرط آماده شدن زیرساخت‌های درآمدزا موافق بودند.

۳. از حیث روش واگذاری نیز اکثریت با اجاره دادن باشگاه‌ها مخالف بودند. بیش از نیمی با واگذاری از طریق مزایده (به شرط تأیید اهلیت اقتصادی، اجتماعی و سیاسی) و یا از طریق بورس به شرط تعیین محدودیت خرید سهام موافق بودند.

۴. اگرچه بیش از نیمی آنها موافق واگذاری به یکی از نهادهای غیردولتی بودند، اما مخالفان عنوان کردند که اولاً از میان نهادهای مربوطه تنها شهرداری قادر به اداره دو باشگاه است که خود در راستای خدمت‌رسانی با چالش‌هایی مواجه است و انتخاب این روش به حل مسئله نمی‌انجامد. با این حال، با توجه به قوانین بین‌المللی یک نهاد یا شرکت نمی‌تواند هم‌زمان مالک دو باشگاه باشد و این به دلیل تعارض منافع با قوانین و مقررات مجامع بین‌المللی چون کنفدراسیون فوتبال آسیا (AFC) و فدراسیون بین‌المللی فوتبال (FIFA)، مغایرت دارد.

به علاوه، با به رسمیت شناختن دو باشگاه به صورت نهادهای عمومی غیردولتی اکثراً مخالف بودند و عنوان کردند که در این صورت نیز دو باشگاه از دولت ارتزاق مالی می‌شوند و در جهت کسب درآمد فعالیت نمی‌کنند و از سوی دیگر به ایجاد تبعیض بین دو باشگاه استقلال و پرسپولیس با سایرین اشاره کردند.

نتیجه‌گیری بحث اینکه اساتید ورزش کشور با دولتی بودن مخالف و با واگذاری به بخش خصوصی به شرط رفع موانع و مهیا شدن زیرساخت‌های درآمدزای ورزشی موافق بودند و در روش اجرا نیز واگذاری از طریق بورس و نیز از طریق مزایده را پس از فراهم شدن شرایط اولیه مناسب دانستند، لذا برنامه‌ریزی در این راستا را پیشنهاد داده‌اند.

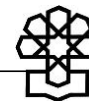
در شرایط کنونی پیش آمده نیز مرکز پژوهش‌ها جهت بررسی مناسب‌ترین الگوی واگذاری و اداره دو باشگاه استقلال و پرسپولیس نخست نشست‌های تخصصی با گروه‌های مختلف از جمله مدیران و صاحب‌نظران حوزه ورزش و اقتصاد برگزار کرد و سپس بر اساس دیدگاه‌های مطرح شده در جلسات مذکور، پنج راه‌حل یا الگو را پیشنهاد کرد که چهار راهکار مربوط به واگذاری مالکیت باشگاه‌هاست و یک الگو به واگذاری مدیریت باشگاه با حفظ مالکیت دولت اشاره دارد. الگوهای مطرح شده برای کارشناسان و مدیرانی از وزارت ورزش و جوانان، سازمان خصوصی‌سازی، اتاق تعاون، سازمان بورس و برخی از صاحب‌نظران مراکز آموزشی و پژوهشی ارسال شد که در ادامه جمع‌بندی دیدگاه‌ها و نظرات ایشان در خصوص تعیین تکلیف دو باشگاه پرسپولیس و استقلال به شرح ذیل ایفاد می‌شود.

۱. پیمان مدیریت از طریق آگهی مزایده عمومی (با حفظ مالکیت دولت)

در این روش، مدیریت باشگاه ورزشی برای مدت معین (مثلاً ۱۰ ساله یا کمتر و بیشتر) به اشخاص حقیقی یا حقوقی از طریق مزایده رقابتی یا مذاکره واگذار می‌شود. مدیریت بنگاه (در قبال بهای پیمان و انجام خدمت) در اختیار پیمانکار است و مالکیت در اختیار دولت می‌ماند.

اظهار نظر کارشناسی

هرچند، این روش تاکنون چندان در خصوص واگذاری بنگاه‌های دولتی به کار گرفته نشده است، اما شیوه اداره کنونی دو باشگاه بسیار به این راه‌حل نزدیک است. با این تفاوت که مدیر یا سرپرست باشگاه منصوب از سوی وزارت ورزش و جوانان است و نه تنها بهای پیمان را پرداخت نمی‌کند، بلکه مدیر باشگاه می‌تواند بابت انجام خدمت، حق‌الزحمه از دولت دریافت کند، وزارت می‌تواند از کارکنان دولتی به صورت مأمور به خدمت در باشگاه استفاده کند. با این حال، این شیوه در قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهارم قانون اساسی، قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت، قانون مدیریت خدمات کشوری و قانون برنامه ششم توسعه مورد تأکید قانونگذار واقع شده است. همچنین، نظر به شرایط خاص حاکم بر این دو بنگاه با کارکردهای متفاوت و با توجه به تجربه تلخ واگذاری باشگاه‌های ورزشی به بخش خصوصی و فقدان بستر و زیرساخت مناسب برای انجام فعالیت‌های اقتصادی و کسب درآمد برای باشگاه و انگیزه گذرا و دفعی اشخاص حقیقی و حقوقی برای ورود به عرصه فوتبال و کسب ارزش اجتماعی از قیل فعالیت رسانه‌ها، واگذاری از طریق پیمان مدیریت می‌تواند برای کوتاه‌مدت تا حدود زیادی راهگشا باشد. به علاوه، در وضعیت کنونی اداره این باشگاه‌ها برای دولت هزینه‌ای ندارد (به جهت ممنوعیت پرداخت هرگونه وجه از محل بودجه عمومی به ورزش حرفه‌ای، نداشتن هرگونه ساختمان و املاک دولتی و هزینه نگهداری مربوط و پرداخت اجاره از سوی باشگاه‌ها جهت استفاده از اماکن دولتی و نظر به گزارش دیوان محاسبات در خصوص عدم استفاده باشگاه‌ها از منابع دولتی در سال‌های اخیر). لذا، مهم‌ترین استدلال برای واگذاری این باشگاه‌ها این است که بخش



غیردولتی بهتر از دولت می‌تواند به اداره بنگاه بپردازد، لذا اگر این ادله را بپذیریم (با توجه به مسدود بودن امکان فعالیت‌های اقتصادی و کسب درآمد از حقوق باشگاه‌های ورزشی در کشور) آنگاه می‌توان گفت راه‌حل مطلوب، پیمان مدیریت از طریق آگهی مزایده عمومی به اشخاص حقیقی یا حقوقی غیردولتی است و پیمانکار انگیزه لازم را برای مدیریت و کسب درآمد برای اداره باشگاه (عمدتاً از دو طریق جذب اسپانسر و سامانه‌های پیامکی حمایت هواداران) خواهد داشت. با همه این اوصاف این روش در صورتی مناسب است که اولاً زمان واگذاری محدود به دوره دولت‌ها (چهارساله) شود و با پایان دولت، مدت مدیریت نیز منوط به تمدید یا اظهارنظر دولت جدید باشد. ثانیاً اخذ ضمانت و تعهد در این روش بسیار مهم است، زیرا امکان ایجاد دین و تعهد برای سال‌های بعد در این دو باشگاه وجود دارد و همان طور که تاکنون نیز اتفاق افتاده است، بسیاری از مدیران این دو باشگاه با واگذاری مسئولیت، حجم انبوهی از بدهی را نیز به یادگار گذاشته‌اند.

الف) نقاط قوت

این روش تقریباً مشابه وضعیت فعلی است که هیئت مدیره یا مدیرعامل از طرف دولت تعیین می‌شود، با این حُسن که اولاً انتخاب تیم مدیریت از طریق روش‌های علمی و مزایده است؛ ثانیاً دولت در قبال هزینه‌ها و تعهدات مسئولیتی ندارد و ثالثاً نتایج تیم‌ها تبعاتی را برای دولت در پی نخواهد داشت.

به علاوه، نگرانی‌های اجتماعی ناشی از واگذاری تمام و کمال دو باشگاه تا حدود زیادی مرتفع می‌شود، دولت در قبال اداره دو باشگاه نه تنها وجهی پرداخت نمی‌کند، بلکه می‌تواند بهای پیمان را نیز دریافت کند و صرف ایجاد و توسعه زیرساختی باشگاه کند و امکان بازگشت به سیستم دولتی و یا فسخ قرارداد در صورت عملکرد ضعیف، امکان تغییر تیم مدیریت و امکان تداوم حمایت‌های مادی و معنوی از تیم توسط دولت برای دولت فراهم می‌شود.

همچنین، با توجه به اینکه واگذاری باشگاه در شرایط کنونی اقتصاد کشور ضامن موفقیت باشگاه نمی‌تواند باشد و می‌بایست زیرساخت‌های درآمدزای باشگاه (از جمله حق پخش تلویزیونی، بلیت‌فروشی، تبلیغات دور زمین و...) فراهم شود، پیمان مدیریت از طریق آگهی مزایده عمومی می‌تواند یکی از گزینه‌های واگذاری باشگاه باشد.

با توجه به اینکه دو باشگاه فاقد هرگونه املاک و دارایی‌های نامنقول هستند و به‌زعم مسئولان وزارت ورزش و جوانان، واگذاری این دو بنگاه صرفاً شامل نام و برند باشگاه است، در این وضعیت و نظر به نبود بستر مناسب برای فعالیت‌های اقتصادی و هزینه‌های بالای تیم‌داری و باشگاه‌داری، خریدار بنگاه انگیزه مانا و پایداری برای اداره دو باشگاه نخواهد داشت، مگر آنکه خریدار به صورت گذرا و مقطعی به هدفش برسد. از سوی دیگر، واگذاری از این طریق برای دولت نیز ایجاد ارزش‌افزوده اجتماعی و اقتصادی می‌کند، از این حیث که بدون صرف هزینه و بلکه با دریافت بهای پیمان به اهداف مدنظر نائل می‌شود.

ب) نقاط ضعف

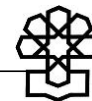
با توجه به تغییر مدیران وزارت ورزش و جوانان، امکان ایجاد چالش بین پیمانکار و مسئولان وزارت در هر دوره متصور است. لذا، مدت زمان قرارداد، می‌تواند هم نقطه قوت و هم نقطه ضعف این روش باشد. در صورت محدود شدن به طول عمر یک دولت، امکان انجام کارهای زیربنایی وجود ندارد. در صورت بلندمدت بودن نیز ممکن است با تغییر دولت‌ها مشکلاتی در این زمینه بروز پیدا کند. بنابراین، بخش خصوصی و پیمانکار انگیزه‌ای برای سرمایه‌گذاری و برنامه‌ریزی بلندمدت ندارند، مگر آنکه شروط در پیمان‌نامه ذکر شوند.

۲. اجاره به شرط تملیک

در این روش باشگاه به شرکت غیردولتی سهامی خاص یا سهامی عام از طریق مزایده عمومی برای مدتی معین واگذار می‌شود. واگذارکننده شروطی پیش‌بینی می‌کند و پس از انجام شروط مربوط، مالکیت باشگاه در اختیار مستأجر قرار می‌گیرد.

اظهار نظر کارشناسی

قرارداد اجاره به شرط تملیک، قراردادی است که به موجب آن مورد معامله اجاره داده می‌شود و در آن شرط می‌شود که مالکیت مورد معامله در پایان مدت اجاره در صورت انجام تمامی شروط عقد و پرداخت همه اقساط مال‌الاجاره توسط مستأجر، به نام او انتقال یابد. این قرارداد از جمله نهادهای حقوقی است که با آنکه سابقه فقهی ندارد و در قانون مدنی ذکر نشده، ولی در اجاره به شرط تملیک، تصرف مستأجر به دلیل مالکیت و نسبت به منافع عین مستأجره دارای وجه قانونی بوده و صحیح است. به عبارت دیگر، قرارداد اجاره به شرط تملیک می‌تواند قراردادی برای واگذاری اموال منقول و غیرمنقول توسط فروشنده به خریدار تلقی گردد مشروط بر اینکه چنانچه مبلغ قرارداد در اقساط معین شده مسترد گردد، خریدار مالک اموال مزبور خواهد شد. این عقد از یک‌سو با اجاره هماهنگی دارد و از سوی دیگر با عقد بیع، زیرا تملیک منافع در ابتدای آن ظهور پیدا می‌کند و در پایان منجر به تملیک عین می‌گردد. لذا، انتخاب این روش از این حیث که شروط مندرج در قرارداد به نحوی ضامن اجرای موفق واگذاری است، مثبت ارزیابی می‌شود. لکن، آنچه به عنوان شرط قرارداد اجاره به شرط تملیک به عنوان سبب مملک قطعی در نظر گرفته می‌شود، معمولاً پرداخت وجه تقسیمی قرارداد است، لذا، شاید احداث استادیوم و ساختمان باشگاه و... اساساً عوض مناسبی در یک قرارداد معوض نباشد، مگر آنکه قانونگذار بدین طریق اتخاذ تصمیم نماید. به علاوه، در صورت تعیین شروط مبنی بر پرداخت وجه، قانونگذار می‌تواند دولت را مکلف به تأمین زیرساخت‌های نامبرده از قبل وجوه حاصل از واگذاری نماید، اگرچه مصارف درآمدهای حاصل از واگذاری در سیاست‌های کلی اصل چهارم قانون اساسی قید شده‌اند.



از سوی دیگر، این روش عمدتاً برای واگذاری دارایی‌ها و اموال منقول و غیرمنقول به کار می‌رود، اما برای واگذاری بنگاه‌ها و شرکت‌های دولتی در آیین‌نامه اجرایی روش‌های واگذاری مصوب ۱۳۸۸ نیز مورد تأکید واقع شده است.^۱ لذا، در صورت عدم پذیره‌نویسی باشگاه‌های ورزشی در فرابورس، این شیوه منطقی‌ترین شیوه واگذاری به بخش خصوصی است، با وجود این پیشنهاد می‌شود در قرارداد اجاره، بندی نیز به اصلاح سیستم حاکمیت شرکتی و همچنین فراهم نمودن شرایط پذیره‌نویسی در فرابورس اضافه گردد تا در یک بازه زمانی مشخص، بخشی از سهام شرکت در قالب سهام خرد به فروش برسد و به مرور زمان از تمرکز مالکیتی کاسته و زمینه برای نظارت عمومی بر عملکرد مدیران باشگاه‌ها فراهم شود.

الف) نقاط قوت

- شروط ضمن قرارداد ضامن انجام موفق واگذاری است.
- امکان فسخ در صورت عدم اجرای تعهدات وجود دارد.

ب) نقاط ضعف

امکان بهره‌برداری از مزایای دوره مالکیت برای خریدار وجود دارد و در صورتی که خریدار مسئولیت‌پذیر نباشد می‌تواند مبالغ پرداختی خود (حتی شاید رقمی بیشتر) را به روش‌های مختلف با استفاده از فرصت‌هایی که از مالکیت موقت باشگاه به دست آورده است، جبران نماید و در پایان دوره با عدم تحقق شرایط مورد نظر، باشگاه را با مشکلات عدیده به دولت برگرداند.

۳. برگزاری مزایده عمومی از سوی سازمان خصوصی‌سازی

در این روش پس از قیمتگذاری از سوی سازمان خصوصی‌سازی، باشگاه ورزشی از طریق آگهی عمومی به شرکت سهامی خاص یا شرکت سهامی عام یا شرکت سهامی تعاونی عام صاحب صلاحیت و اهلیت واگذار (فروش) می‌شود.

اظهار نظر کارشناسی

انتخاب این راه‌حل مسبوق به سابقه‌ایست که ختم به نتیجه نشد؛ از سال ۱۳۸۷ تا سال ۱۳۹۳ این دو باشگاه به عنوان دو شرکت در اختیار سازمان خصوصی‌سازی قرار داشتند که می‌بایست به بخش غیردولتی واگذار می‌شدند. در قانون بودجه سال ۱۳۹۲ و ۱۳۹۳ نیز این واگذاری به دولت تکلیف شده بود که سال‌های ۱۳۹۳ و

۱. ماده (۵) - در صورت حصول يك يا چند شرط از شرایط زیر، بنا به پیشنهاد سازمان و در چارچوب قرارداد پیشنهادی سازمان، هیئت واگذاری مجوز اجاره به شرط تملیک را اعطا می‌نماید. دستورالعمل و نمونه قرارداد اجاره به شرط تملیک توسط سازمان تهیه خواهد شد.

الف) بنگاه يك شرکت مشاور و دانش‌پایه با دارایی‌های فیزیکی و مالی محدود بوده و ارزش آن عمدتاً دارایی‌های غیرفیزیکی باشد.

ب) ارزش خالص دارایی‌های بنگاه منفی باشد.

ج) پس از دو نوبت آگهی و برگزاری مزایده در بورس یا خارج از بورس، خریداری وجود نداشته باشد.

د) به استناد گزارش توجیهی، روش اجاره به شرط تملیک در مقایسه با سایر روش‌ها دارای اولویت باشد.

۱۳۹۴ این موضوع به صورت جدی در دستور کار قرار گرفت. چهار مزایده برگزار شد که سه مزایده اول مورد استقبال واقع نشد و در مزایده چهارم با تغییر در روش‌ها و رویکردها ضمن اعلام حضور مشتری و ثبت‌نام خریدار، سرانجام کمیته اهلیت (با عضویت وزیر دادگستری و وزیر اقتصاد) برگزار شد و رأی به عدم اهلیت خریدار صادر نمود. در آن اثنا ۱۳۰ نفر از نمایندگان مجلس نیز در نامه‌ای خواستار لغو واگذاری آنها شدند و دولت نیز در قالب مصوبه هیئت وزیران این دو باشگاه را در سال ۱۳۹۴ از فهرست اولویت واگذاری‌ها خارج کرد و به فهرست شرکت‌های سلامت، آموزش و فرهنگ اضافه کرد که می‌بایست از طریق ارائه لایحه به مجلس تعیین تکلیف می‌شدند. لکن، آذرماه ۱۳۹۷ به درخواست وزارت ورزش و جوانان و پیشنهاد وزارت امور اقتصادی و دارایی و به استناد مواد (۲) و (۳) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم قانون اساسی - مصوب ۱۳۸۷ - هیئت محترم وزیران با لغو تصویبنامه ۱۳۹۴ رأی به واگذاری شرکت‌های فرهنگی - ورزشی استقلال ایران و پیروزی (پرسپولیس) داد. با این حال، واگذاری از این طریق با توجه به سوابق موجود محل نگرانی است؛ مطابق گزارش تفریغ بودجه ۱۳۹۶ دیوان محاسبات کشور، «واگذاری شرکت‌هایی همچون پالایش نفت کرمانشاه، نیشکر هفت‌تپه، هیکو اراک و ماشین‌سازی تبریز، ریخته‌گری ماشین‌سازی تبریز و املاک ائل‌گلی به دلیل فقدان اهلیت و تخصص کافی توسط خریدار، باعث بروز ضرر و زیان به بیت‌المال گردیده است»^۱ «سازمان خصوصی‌سازی در برخی موارد بنگاه را به قیمت ۷۰ درصد کمتر از قیمت کارشناسی واگذار کرده است، در مواردی نیز دارایی‌های بنگاه ارزیابی نشده‌اند یا کمتر از ارزش واقعی ارزیابی شده‌اند و در پاره‌ای موارد اقدام به واگذاری‌های در سال ۱۳۹۷ مطابق قیمت کارشناسی سال ۱۳۹۴ صورت گرفته و از این طریق موجب ضرر و زیان به بیت‌المال و بعضاً چالش‌ها و مسائل اجتماعی و امنیتی شده است»^۲.

الف) نقاط قوت

با توجه به اینکه این نوع واگذاری مقدمات و تشریفات کمتری نسبت به واگذاری در فرابورس دارد، بنابراین تسریع در واگذاری و خصوصی‌سازی باشگاه از این طریق محتمل است و در مدت زمان کمتری این اتفاق می‌افتد.

همچنین، امکان واگذاری به شرکت سهامی عام یا شرکت تعاونی سهامی عام در این روش وجود دارد و لذا، امکان مداخله هواداران دو باشگاه نیز فراهم است.

ب) نقاط ضعف

امکان واگذاری تام به شخص حقیقی خاص یا شرکت سهامی خاص وجود دارد و موفقیت باشگاه در این شرایط عمدتاً قائم به فرد خواهد بود و نقشی برای هواداران به عنوان سرمایه‌های اجتماعی و اصلی دو باشگاه متصور نخواهد بود. در واقع موفقیت و عدم موفقیت و حیات و ممات باشگاه به شخص مالک

۱. گزارش تفریغ بودجه ۱۳۹۶، دیوان محاسبات کشور.

۲. همان.



باشگاه بستگی دارد و قطعاً در این صورت وابستگی به شخصیت حقوقی دولت بسیار ارزشمندتر و مطلوب‌تر است. با توجه به فقدان بستر مناسب اقتصادی و کسب درآمد برای باشگاه‌ها و نیز نداشتن اموال و دارایی‌های نامنقول، در صورت بروز مشکلی برای مالک باشگاه به تبع آن موجودیت باشگاه نیز به خطر می‌افتد.

- تعیین مواردی همچون اهلیت به عنوان مانعی جدی برای واگذاری باشگاه (حتی در صورت بررسی اهلیت هنوز این نگرانی وجود دارد که اگر «اهل» خریداری نماید و بعد از مدتی به «نااهل» واگذار نماید).

- عدم شفافیت کامل صورت‌های مالی، گزارشات و دارایی و بدهی باشگاه مانع واگذاری از این طریق خواهد بود و به علاوه، کشف قیمت را مشکل می‌نماید.

- به مخاطره افتادن بقای باشگاه‌ها در صورت شکل‌گیری بحران‌های اقتصادی و سیاسی برای شرکت‌های مالک باشگاه.

- احتمال رانت و فساد در واگذاری با توجه به سابقه واگذاری شرکت‌ها از این طریق طی سنوات اخیر (بر اساس گزارش تفریغ بودجه ۱۳۹۶ کل کشور) وجود دارد و مضافاً اینکه تعیین تکلیف این دو باشگاه در گذشته به سازمان خصوصی‌سازی محول شد، اما منجر به نتیجه مطلوب نشد.

۴. واگذاری تدریجی - ترکیبی

در این روش در مرحله اول سازمان خصوصی‌سازی ۴۵ درصد سهام شرکت را از طریق مزایده (آگهی عمومی) واگذار می‌کند و در یک بازه زمانی سه‌ساله ۴۵ درصد باقی سهام از طریق فرابورس عرضه می‌شود. ۱۰ درصد سهام در اختیار وزارت ورزش و جوانان می‌ماند.

اظهار نظر کارشناسی

شیوه منطقی و کارآمدی به نظر می‌رسد، اما زمانبر است و تجارب مشابه در سایر صنایع نشان داده است که سهام‌داری دولت حتی به میزان ۱۰ درصد، فرصت اعمال نفوذ از سوی مقامات دولتی در اموری نظیر انتخاب هیئت مدیره، مدیر عامل و... را مهیا می‌سازد و از کارایی سایر ارکان مالکیت و انگیزه سرمایه‌گذاری ایشان می‌کاهد. هرچند حفظ سهام ۱۰ درصدی برای دولت می‌تواند به حفظ حاکمیت ملی کمک کند، لکن سهم ۱۰ درصدی وزارت ورزش و جوانان از سهام باشگاه می‌تواند به نوعی سهام ممتاز تلقی شده و به تداوم دخالت دولت در باشگاه و بی‌انگیزگی سایر سهام‌داران غیردولتی بینجامد. مضافاً اینکه ناکارآمدی احتمالی در کسب نتایج و عملکرد باشگاه را ممکن است به دولت و دخالت دولت در امور داخلی باشگاه ربط دهند که این نیز به صلاح نیست، هر چند عکس آن نیز صادق است و موفقیت باشگاه می‌تواند موفقیت دولت جلوه داده شود. از سوی دیگر واگذاری مرحله

دوم با فاصله زمانی سه‌ساله از این حیث که اکثریت سهام در این بازه زمانی در اختیار دولت است، جذابیت و انگیزه سرمایه‌گذاری مالک سهام ۴۵ درصد نخست را کاهش می‌دهد. اما، بزرگ‌ترین اشکال این روش این است که در نهایت باشگاه سهام‌دار عمده ندارد (مگر اینکه خریدار بلوک ۴۵ درصدی نخست، بلوک ۴۵ درصدی بعدی را هم خریداری کند) ضمن اینکه واگذاری تلفیقی موضوعی تجربه نشده در دنیا می‌باشد و توجیه حقوقی ندارد، اگر قرار است باشگاه از طریق مزایده یا فرابورس یا هر طریق دیگری واگذار شود، بهتر این است که به یکی از این طریق واگذاری صورت گیرد، مگر آنکه پس از واگذاری باشگاه از طریق مزایده و تعیین یک بازه زمانی مشخص، این الزام به وجود آید که بخشی از سهام آن در بازار سهام (بورس یا فرابورس) پذیرش شود تا امکان مشارکت هواداران فراهم شود.

الف) نقاط قوت

- اطمینان از نقش و حضور ارکان حاکمیت در اداره دو باشگاه که باعث کاهش نگرانی‌های اجتماعی می‌شود.
- هم‌زمانی مالکیت شخصیت حقوقی متمول و مالکیت هواداران می‌تواند باعث هم‌افزایی اجتماعی - اقتصادی در موفقیت باشگاه شود.

ب) نقاط ضعف

- زمانبر بودن مراحل واگذاری و عدم تعیین تکلیف مالک باشگاه در بازه زمانی نسبتاً طولانی می‌تواند به روند برنامه‌ها و فعالیت‌های باشگاه آسیب زند.
- تجربه اجرایی و پشتوانه حقوقی برای این شیوه وجود ندارد.
- ممکن است با چند پاره شدن سهام باشگاه، چندگانگی در روش واگذاری و احتمال تداوم دخالت دولت در امور باشگاه به بی‌انگیزگی مالک غیردولتی و عدم سرمایه‌گذاری آن بینجامد.

۵. واگذاری از طریق فرابورس (حکم مصوب مجلس در قانون بودجه ۱۳۹۸)

در این روش مقرر است ابتدا ۵ درصد از سهام باشگاه برای کشف قیمت در بازار پایه عرضه شود و سپس ۵۱ درصد به صورت بلوکی و باقی سهام به صورت خرد از طریق فرابورس واگذار شود.

اظهار نظر کارشناسی

با در نظر گرفتن ملاحظات اجتماعی و سیاسی و در صورت تمایل به حفظ مالکیت دولت در این مقطع زمانی (مادامی که بستر و زیرساخت مناسب برای فعالیت باشگاه‌ها فراهم نیست)، روش پیمان مدیریت بهترین الگو است چه آنکه واگذاری باشگاه‌های ورزشی در گذشته سرانجام تلخی را در پی داشتند. با



این حال، برای واگذاری مالکیت دو باشگاه استقلال و پرسپولیس، به عقیده کارشناسان و نظر به بررسی‌های انجام شده به نظر می‌رسد پذیرش سهام دو باشگاه مذکور در بازار سهام (فرا بورس) یکی از بهترین راهکارها و منطقی‌ترین راه‌حل برای خصوصی‌سازی آنهاست. از این حیث که موجب شفاف‌سازی دارایی‌ها و صورت‌های مالی و گزارشات مربوط می‌شود، امکان رانت و فساد در واگذاری بنگاه به حداقل می‌رسد و کشف قیمت مناسب و رقابت بهتر برای خریدار میسر می‌شود. مضافاً اینکه هم امکان حضور سرمایه‌گذار کلان اقتصادی وجود دارد و هم شرایط سهام‌دار شدن، تصمیم‌گیری و مشارکت هواداران دو باشگاه به عنوان سرمایه‌های واقعی دو باشگاه فراهم است که می‌تواند رضایت اجتماعی را در پی داشته باشد. با وجود این با توجه به شمار بالای هواداران به نظر می‌رسد عرضه ۵ درصدی سهام باشگاه که به کشف قیمت آن منجر می‌شود در مجموع کافی نبوده و در عرضه اولیه می‌توان ۱۰ درصد سهام باشگاه را در فرا بورس عرضه کرد و یا اینکه در برنامه مدیریت سهام باشگاه در فرا بورس این چشم‌انداز را داشت که علاوه بر عرضه اولیه ۵ درصدی، به تدریج ۵ درصد دیگر سهام نیز عرضه شود که این موضوع علاوه بر اینکه به افزایش سهام آزاد شناور باشگاه کمک می‌کند، موجب می‌شود بخش زیادتری از متقاضیان که هواداران هستند نیز سهام‌دار باشگاه شوند و هویت‌بخشی به این سرمایه اجتماعی داده شود.

به علاوه، با توجه به فقدان اکثریت شرایط احراز پذیره‌نویسی در بورس، تأمین شرایط مدنظر فرا بورس در مدت زمانی نسبتاً کوتاه امکان‌پذیر است. اگر غایت واگذاری باشگاه‌های ورزشی را حضور در بورس در نظر بگیریم، به نظر می‌رسد اقدام و حکم مصوب مجلس شورای اسلامی، بسیار سازنده و مؤثر خواهد بود. نکته حائز اهمیت اینکه با توجه به اهمیت سرمایه اجتماعی این باشگاه‌ها و پیشگیری از سوءاستفاده مالک و مدیر باشگاه و احتمال ناراضی‌های عمومی و اجتماعی از نحوه عملکرد و اداره باشگاه‌ها و سهولت امکان ورود حاکمیت به این حوزه، ضروری است اساسنامه دو باشگاه به گونه‌ای تنظیم شود که امکان بررسی صلاحیت هیئت مدیره باشگاه‌ها توسط وزارت ورزش و جوانان و دیگر نهادهای ذی‌ربط وجود داشته باشد (همانند مدل مورد استفاده در خصوص تأیید صلاحیت هیئت مدیره بانک‌ها توسط بانک مرکزی).

الف) نقاط قوت

- کشف قیمت سهام باشگاه، افزایش شفافیت مالی و بهبود شاخص‌های حاکمیت شرکتی تحت تأثیر الزامات فرا بورس برای پذیره‌نویسی میسر است.

- امکان رقابت شفاف بین متقاضیان خرید بلوکی سهام و امکان خرید و فروش سهام توسط هواداران باشگاه‌های ورزشی و ایفای نقش مؤثر هواداران به عنوان سرمایه‌های اجتماعی در اداره باشگاه‌ها و امکان خرید و فروش سهام باشگاه برای هواداران (به میزان سهام خرد عرضه شده در فرا بورس) فراهم می‌شود.

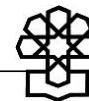
- امکان بررسی صلاحیت و اهلیت متقاضیان خرید بلوک‌های عرضه شده، تسهیل ارزیابی عملکرد مدیران با استناد به قیمت سهام باشگاه‌ها در فرابورس وجود دارد.
- احساس تعهد و هویت‌بخشی به حامیان جهت حمایت قوی‌تر، حرفه‌ای و منطقی‌تر از باشگاه محبوب خود ایجاد می‌شود.
- منع انحصار در مالکیت و اداره باشگاه‌ها و امکان مشارکت عامه در سرنوشت باشگاه فراهم می‌شود.

ب) نقاط ضعف

- نداشتن شرایط و الزامات اولیه برای واگذاری از طریق فرابورس (برای مثال باشگاه استقلال به صورت شرکت سهامی خاص ثبت شده است در حالی که شرط ورود عرضه از طریق فرابورس، عام بودن سهامی بنگاه است که البته با اصلاح اساسنامه قابل رفع است).
- زمانبر بودن واگذاری کامل دو باشگاه که می‌تواند سبب ایجاد وقفه در برنامه‌ها و فعالیت‌های دو باشگاه شود.

جمع‌بندی و پیشنهاد

بدون فراهم شدن زیرساخت‌های درآمدزایی باشگاه‌ها، نوع و روش واگذاری نمی‌تواند ضامن موفقیت خصوصی‌سازی در ورزش حرفه‌ای کشور باشد. مادامی که بسیاری از ضوابط حقوقی و قانونی نظام باشگاه‌داری تدوین نشده است، موضوع واگذاری و خصوصی‌سازی دو باشگاه ورزشی صرفاً رهاسازی آنها تلقی می‌شود؛ برای مثال در حال حاضر موضوع حرف و مشاغل ورزش حرفه‌ای و ضوابط بیمه‌ای و مالیاتی مشخص و مدونی وجود ندارد، چرایی واگذاری این دو باشگاه به بخش خصوصی و استقلال آنها از حمایت‌های دولتی و وابسته بودن سایر باشگاه‌های رقیب به صنایع بزرگ دولتی محل تأمل جدی است، فقدان زیرساخت‌های درآمدزا برای باشگاه‌ها از جمله عدم بهره‌مندی آنها از درآمدهای ناشی از پخش مسابقات ورزشی که ناشی از دولتی اداره شدن صداوسیما و انحصار پخش برنامه‌های تصویری نیز مسئله‌ای است که به خصوصی‌سازی این دو باشگاه گره خورده است. لذا، واگذاری یا خصوصی‌سازی دو باشگاه بزرگ ورزشی کشور، تنها بخشی از این مسئله مهم است و باید این موضوع در کنار سایر ابعاد مربوط به صورت یک مجموعه حقوقی مدون به تصویب نهاد قانونگذاری کشور برسد. مع‌هذا، این نیز به سرانجام نخواهد رسید مگر آنکه یک گام دولت به واگذاری باشگاه‌ها اقدام کند و یک گام قانونگذار نسبت به تسهیل شرایط و بسترسازی فعالیت اقتصادی باشگاه‌ها و نظام باشگاه‌داری ورزش حرفه‌ای کشور پیش رود.



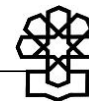
بر این اساس بررسی پنج راهکار پیش‌بینی شده نشان می‌دهد، که هر یک از این روش‌ها دارای نقاط قوت و وضعی هستند که در این میان نقاط ضعف روش واگذاری از طریق برگزاری مزایده عمومی (از سوی سازمان خصوصی‌سازی) اساساً به گونه‌ای است که قابل دفاع نمی‌باشد و از میان چهار راهکار دیگر، در صورت تمایل به حفظ مالکیت دولت، روش «پیمان مدیریت» پیشنهاد می‌شود. در صورت اصرار بر واگذاری، مناسب‌ترین شیوه از بین الگوهای فوق روش «فراپورس» است که به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است؛^۱ به گونه‌ای که نخست «وزارت ورزش و جوانان مکلف است شرایط پذیرش دو شرکت فرهنگی - ورزشی پرسپولیس و استقلال را در بازار پایه فراپورس فراهم نماید». بنابراین، ضروری است وزارت ورزش و جوانان در این مقطع کنونی نسبت به اصلاح اساسنامه دو شرکت (به ویژه تغییر ماهیت حقوقی شرکت فرهنگی - ورزشی استقلال از سهامی خاص به شرکت سهامی عام، پیش‌بینی سرمایه‌گذاری و فعالیت در رشته‌های ورزشی پایه برای دو باشگاه، ممنوعیت هرگونه عضویت و فعالیت هر یک از ارکان دو باشگاه در احزاب سیاسی) و تعیین تکلیف املاک دو باشگاه و انتقال سند مجموعه ورزشی شهید درفشی‌فر و شهید مرغوبکار به دو باشگاه پرسپولیس و استقلال در اجرای مصوبه هیئت محترم وزیران اقدام عاجل نماید. به علاوه، نظر به کارکردهای فرهنگی و اجتماعی دو باشگاه و اثرگذاری آنها در جامعه اکیداً ضروری است امکان بررسی صلاحیت اعضای هیئت مدیره باشگاه‌ها از سوی وزارت ورزش و جوانان و دیگر نهادهای ذی‌ربط بررسی‌کننده حدود صلاحیت‌های عمومی، فراهم شود (همانند بانک‌ها). سرانجام، پیشنهاد می‌شود، مجلس شورای اسلامی در سال ۱۳۹۸، ساماندهی نظام ورزش حرفه‌ای و باشگاه‌داری کشور را در مسیر قانونگذاری قرار دهد.

منابع و مأخذ

۱. قوانین و مقررات جمهوری اسلامی ایران.
۲. ضرورت تجزیه و تحلیل محیطی (SWOT) واگذاری باشگاه‌های فوتبال ایران (مطالعه موردی: باشگاه‌های استقلال و پرسپولیس) عبدالمهدی نصیرزاده و شمس‌الدین رضایی، ۱۳۹۷.
۳. واگذاری فوتبال از بورس تا اجاره، خسروی مصعب، عبدوی فاطمه، هشتمین همایش بین‌المللی تربیت بدنی علوم ورزشی، ۱۳۹۳.
۴. خصوصی‌سازی فوتبال، مهدی حاجی‌وند، نشر دنیای اقتصاد (چاپ اول، ۱۳۹۷).
۵. شناخت و اولویت‌بندی موانع خصوصی‌سازی صنعت ورزش فوتبال در ایران با رویکرد آنالیز چندمعیاره و کپلند، محمد سلطان حسینی و همکاران، مطالعات مدیریت ورزشی، ۱۳۹۶.

۱. وزارت ورزش و جوانان مکلف است با همکاری سازمان بورس و اوراق بهادار و سازمان خصوصی‌سازی حداکثر تا پایان شهریورماه ۱۳۹۸، شرایط پذیرش دو شرکت فرهنگی - ورزشی پرسپولیس و استقلال را در بازار پایه فراپورس فراهم نماید. پس از پذیرش در بازار پایه فراپورس و عرضه پنج درصد (۵٪) سهام هریک از دو شرکت جهت کشف قیمت، پنجاهویک درصد (۵۱٪) سهام آنها به صورت بلوکی و باقی سهام به صورت خرد عرضه می‌شود. درآمد حاصله به ردیف ۳۱۰۵۰۱ خزانه (درآمد حاصل از واگذاری شرکت‌های دولتی) واریز می‌شود.

۶. تحلیل موانع فرهنگی و اجتماعی مؤثر بر اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم قانون اساسی در ورزش حرفه‌ای ایران، ابراهیم علیدوست قهفرخی و همکاران، مدیریت مطالعات ورزشی، ۱۳۹۲.
۷. بررسی امکان‌های مدیریت باشگاه‌های استقلال و پرسپولیس، مرکز پژوهش‌های مجلس، معاونت پژوهش‌های فرهنگی و اجتماعی، دفتر فرهنگی، صادق ستاری‌فرد، شماره مسلسل ۱۵۱۹۸، ۱۳۹۵.
۸. گزارش تفریح بودجه ۱۳۹۶ کل کشور، دیوان محاسبات کشور.
9. <https://www2.deloitte.com/uk/en/pages/press-releases/articles/deloitte-football-money-league-2019.html>
10. <http://cabinetoffice.ir/fa/news/4413/>

**پیوست‌ها****پیوست ۱. لایحه قانونی واگذاری سازمان ورزشی و فرهنگی تاج به سازمان تربیت بدنی ایران**

مصوب ۱۳۵۸/۷/۸ شورای انقلاب جمهوری اسلامی (شماره روزنامه رسمی ۱۰۰۹۲ و تاریخ روزنامه رسمی ۱۳۵۷/۰۷/۲۴)

ماده واحد - از تاریخ تصویب این ماده واحد کلیه اموال منقول و غیرمنقول و مطالبات و دیون سازمان ورزشی و فرهنگی تاج همراه با پرسنل واحدهای سازمان مذکور به سازمان تربیت بدنی ایران واگذار می‌گردد.

پیوست ۲. لایحه قانونی راجع به مردمی کردن باشگاه‌های ورزشی عمومی در سراسر کشور
مصوب ۱۳۵۸/۹/۲۷ شورای انقلاب جمهوری اسلامی (تاریخ انتشار ۱۳۵۸/۱۱/۰۱ شماره روزنامه رسمی ۱۰۱۷۰)

ماده (۱) - تعریف و هدف

چون باشگاه ورزشی نهادی است که به منظور همکاری در اجرای نیات و هدف‌های سازمان تربیت بدنی ایران از لحاظ حفظ تندرستی و فعالیت‌های صحیح جسمانی و روانی و استحکام مبانی دینی و اخلاقی و تربیتی و تقویت استعداد‌های افراد جهت نیل به مدارج قهرمانی و نیز گذراندن اوقات فراغت از طریق فعالیت‌های ورزشی و ایجاد روح یگانگی و حس همکاری و وحدت ملی بر اساس تقویت روح ایمان و جوانمردی استوار می‌گردد، لذا بر اساس ضرورت رسیدن به هدف‌های تعریف شده از تاریخ تصویب این قانون کلیه باشگاه‌ها عمومی در سراسر کشور ملی اعلام و اداره امور آن از طریق خودکفایی و خودیاری مردم زیر پوشش سازمان تربیت بدنی ایران قرار می‌گیرد.

ماده (۲) - تعیین حقوق صاحبان باشگاه و سهام‌داران رسیدگی و تعیین حقوق صاحبان باشگاه‌ها و سهام‌داران به عهده شورایی متشکل از نمایندگان تام‌الاختیار وزارت مسکن و شهرسازی - سازمان برنامه و بودجه - وزارت دادگستری - شهرداری - سازمان تربیت بدنی ایران - نماینده باشگاه‌های ورزشی تهران و شهرستان‌ها خواهد بود.

تبصره - صاحبان باشگاه به افرادی اطلاق می‌شود که در تاریخ تصویب این قانون طبق قوانین و آیین‌نامه‌ها و مقررات مربوط صاحب و یا سهام‌دار باشگاه شناخته شده‌اند.

ماده (۳) - کلیه اماکن و تأسیسات ورزشی متعلق به این گونه باشگاه‌ها یا کلیه وسایل و تجهیزات ورزشی، اداری و منقول و منسوب به سازمان تربیت بدنی ایران واگذار می‌گردد.

درآمدهای باشگاه‌ها شامل حق عضویت، فروش بلیت، کمک‌های مردم و سازمان‌های مردمی و دولتی و غیره می‌باشد.

ماده (۴) - سازمان تربیت بدنی ایران موظف است فهرست کامل باشگاه‌های مشمول این قانون را تعیین و اعلام نماید.

پیوست ۳. لایحه قانونی راجع به تأمین هزینه‌های باشگاه‌های منتقل شده به سازمان تربیت بدنی ایران

مصوب ۱۳۵۸/۱۰/۲۹ شورای انقلاب جمهوری اسلامی (شماره روزنامه رسمی ۱۰۱۹۴ به تاریخ ۱۳۵۸/۱۲/۰۱)

ماده واحد - به سازمان تربیت بدنی ایران اجازه داده می‌شود که هزینه‌های باشگاه‌هایی را که به موجب مصوبات مربوط به سازمان مزبور منتقل شده‌اند تا پایان سال جاری کماکان از طریق مقررات مالی مربوط انجام دهد و به منظور پرداخت هزینه‌های این مؤسسات از محل اعتبارات ماده (۱۷) بودجه سازمان تربیت بدنی ایران، مؤسسات فوق‌الذکر تا پایان سال جاری به عنوان مؤسسات خصوصی تلقی گردند.

پیوست ۴. لایحه قانونی راجع به واگذاری کلوپ تنیس استقلال ژاندارمری جمهوری اسلامی ایران
مصوب ۱۳۵۹/۳/۱۳ شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران (شماره روزنامه رسمی ۱۰۳۲۲ تاریخ چاپ ۱۳۵۹/۵/۱۳)

ماده واحد - از تاریخ تصویب این لایحه قانونی کلیه تأسیسات و عرصه و اعیان و اموال منقول و غیرمنقول کلوپ تنیس استقلال جهت پیشبرد امر ورزش و سالم‌سازی نیروی انسانی در ژاندارمری جمهوری اسلامی ایران به این سازمان واگذار می‌گردد.

پیوست ۵. انتقال مجموعه‌های ورزشی شهید درفشی فر و شهید مرغوبکار به ترتیب به شرکت‌های فرهنگی - ورزشی پرسپولیس و استقلال

مصوب ۱۳۹۱/۹/۱۲ هیئت وزیران شماره ابلاغ ۲۰۳۱۷۹/ت/۴۸۶۶۳ هـ تاریخ ابلاغ ۱۳۹۱/۱۰/۱۷.
هیئت وزیران در جلسه مورخ ۱۳۹۱/۹/۱۲ بنا به پیشنهاد وزارت ورزش و جوانان و به استناد ماده (۱۱۷) قانون محاسبات عمومی کشور - مصوب ۱۳۶۶ - تصویب نمود: مجموعه‌های ورزشی شهید درفشی فر و شهید مرغوبکار به ترتیب به شرکت‌های فرهنگی - ورزشی پرسپولیس و استقلال انتقال می‌یابد. شرکت‌های مذکور مکلفند با رعایت قوانین و مقررات مربوط و در اجرای مفاد بند «۳۹» ماده واحد قانون بودجه سال ۱۳۹۱ کل کشور و پس از تجدید ارزیابی‌ها نسبت به افزایش سرمایه اقدام نمایند.



پیوست ۶. (پرسشنامه) - دیدگاه اساتید ورزش کشور درباره راهکارهای پیشنهادی اداره باشگاه‌های ورزشی استقلال و پرسپولیس (۱۳۹۴)

ملاحظات کارشناسی	مخالف	موافق	راه حل	
			ادامه روند کنونی و اداره دو باشگاه توسط وزارت ورزش	دولتی ماندن
			اداره دو باشگاه توسط وزارت ورزش به شرط اختصاص ردیف بودجه مستقل برای دو باشگاه	
			تغییر وزارتخانه متولی دو باشگاه	
			واگذاری به بخش خصوصی به صورت قطعی در زمان حاضر	از چگونگی مالکیت:
			واگذاری به بخش خصوصی در یک بازه زمانی مشخص به شرط آماده شدن زیرساخت‌های درآمدزا	
			واگذاری ۴۹ درصد مالکیت دو باشگاه به بخش خصوصی	
			واگذاری به بخش خصوصی به روش مزایده	از چگونگی واگذاری روش
			واگذاری به بخش خصوصی از طریق بورس (شرکت سهامی عام)	
			واگذاری به بخش خصوصی به روش استیجاری	
			واگذاری به یکی از نهادهای عمومی غیردولتی	نهاد عمومی غیردولتی
			به رسمیت شناختن دو باشگاه به صورت یک نهاد عمومی غیردولتی	



مرکز پژوهش‌ها
مجلس شورای اسلامی

شماره مسلسل: ۱۶۴۲۲

شناسنامه گزارش

عنوان گزارش: بررسی ابعاد و الگوهای واگذاری باشگاه‌های پرسپولیس و استقلال

نام دفتر: مطالعات آموزش و فرهنگ (گروه ورزش، گردشگری و میراث فرهنگی)

تهیه و تدوین: صادق ستاری‌فرد

ناظر علمی: سینا کلهر

اظهار نظر کنندگان: مهدی حاجی‌وند، وحید بیگی، امیر هامونی، شهاب طلاپی شکری، مهتاب

قراخلو، محمدحسین قربانی، ابراهیم علیدوست قهفرخی

متقاضی: کمیسیون ویژه حمایت از تولید و نظارت بر اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴)

ویراستار تخصصی: _____

ویراستار ادبی: _____

واژه‌های کلیدی:

۱. خصوصی‌سازی

۲. واگذاری بنگاه‌ها

۳. باشگاه پرسپولیس

۴. باشگاه استقلال



تاریخ انتشار: ۱۳۹۸/۰۲/۱۵